

جنگ شوروی در افغانستان

۳ حزب دموکراتیک خلق و سلطنت ظاهر شاه

در این دوران دیگر گروه‌های چپگرا از جمله جریان دموکراتیک نوین، جریان افغان سوسیال دموکراتیک، حزب دموکراتیک مترقی و مواردی دیگری تشکیل گردیده بودند، لکن نفوذ و اعتبار حزب دموکراتیک خلق از سایرین بالاتر بود.

حزب در دوران سلطنت ظاهر شاه آخرین پادشاه افغانستان، در سالهای پایانی آن که به دهه قانون اساسی یا دهه دموکراسی مشهور است (۱۳۴۳-۱۳۵۲، ۱۳۵۲-۱۳۶۴، ۱۳۶۴-۱۳۷۳) شکل گرفت و حکومت نیز آنان را تحمل می‌نمود. هر چند که گاه برخی فعالان آن بازداشت و زندانی می‌شدند. در این دوران فعالیت حزب در چارچوب قانون اساسی قرار داشت. به گواه سلطان علی کشتمند از موسسین حزب دموکراتیک و رهبران جناح پرچم، با وجود برخی تدریجی‌ها، حزب نهاد سلطنت را پذیرفته بود. از مهمترین مراکز فعالیت حزب دموکراتیک مانند سایر احزاب چپ و اسلامی دانشگاه‌ها بود با آنکه به صورت غیر علنی نفوذ و وابستگی در نیروهای مسلح وجود داشت. از منظر حکومت نسبت به فعالیت احزاب، آزادی عمل نسبی جریان‌ها چپ و در راس آنها حزب دموکراتیک خلق، در کشور اسلامی افغانستان، بیشتر از گروه‌های اسلامی بود. به گفته گلبدین حکمتیار از رهبران نهضت اسلامی در آن زمان و موسس بعدی حزب مبارز اسلامی، سلطنت، کمونیست‌ها را تهدید جدی برای خود نمی‌دانست که این موضوع بیشتر به دلیل نیاز حکومت به پشتیبانی‌های خارجی علی‌الخصوص روسها بود که آنان نیز کمک خود را مشروط به اجازه و پشتیبانی از فعالیت احزاب چپ کرده بودند.

در این دوران حتی انتشار شعری در نشریه پرچم، ارگان جناح پرچم در ستایش لنین رهبر انقلاب بلشویکی روسیه که منتهی به اعتراض و تحصن روحانیون در مسجد جامع پل خشتی کابل شد باعث تسلیم دولت نشده و آنان را از مسجد پراکنده گردانید.^[23]

۴ حزب دموکراتیک خلق و ریاست جمهوری داوود خان

در سالهای اواخر سال‌های دهه پنجاه و در دهه شصت میلادی که با افزایش تعداد افسران جوان آموزش دیده در شوروی و گسترش فعالیت جناح‌های حزب دموکراتیک در نیروهای مسلح همراه بود، افکار و عقاید مارکسیستی در میان نظامیان گسترش یافته بود به نحوی که در این دوران برخی افسران ارتش دارای گرایش‌های حزبی و عقیدتی بودند. در این میان محمد داوود خان، وزیر دفاع سابق و نخست وزیر سالهای ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۱ (۱۹۵۳-۱۹۶۳)، پسرعموی شاه و شخصیت متنفذ سیاسی افغانستان که از چندی پیش از آن به انتقاد و ایراد اتهامات به نظام پادشاهی پرداخته بود و روابط نزدیکی با گروه‌ها و افسران چپگرا از جمله میر اکبر خیبر، تئوریسین و مسئول نظامی جناح پرچم داشت، با کمک افسران طرفدارش، کمونیست‌های طرفدار حزب دموکراتیک و کمونیست‌های مستقل در ۲۶ سرطان-تیر ۱۳۵۲-۱۷ ژوئیه ۱۹۷۳ زمانی که ظاهرشاه در سفر ایتالیا به سر می‌برد، با کودتایی وی را از سلطنت خلع و اولین رئیس جمهور افغانستان شد. بنا به اظهارات صاحب نظران لزوماً به دلیل شرکت افسران کمونیست و وجود وزرای از حزب دموکراتیک در کابینه جمهوری، نمی‌توان گفت که توافق قبلی در باب مشارکت در کودتا وجود داشته‌است، از جمله بنا به گفته

جنگ شوروی در افغانستان به ۹ سال اشغال و درگیری اتحاد جماهیر شوروی در آن کشور به جهت پشتیبانی از دولت کمونیست جمهوری دموکراتیک افغانستان^[17] در مقابل نیروهای مجاهدین افغان و داوطلبان خارجی عرب اطلاق می‌شود. در ۳ دی ۱۳۵۸ (۲۴ دسامبر ۱۹۷۹) به فرمان لئونید برژنف رهبر شوروی سپاه چهلیم این کشور وارد افغانستان شد^[18] و در نهایت در دوران میخائیل گورباچف آخرین رهبر این کشور، عقب‌نشینی در ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۷ (۱۵ می ۱۹۸۸) آغاز و آخرین گروه در ۲۶ بهمن ۱۳۶۷ (۱۵ فوریه ۱۹۸۹) از افغانستان خارج شدند.

این جنگ بیش از یک میلیون کشته و نزدیک به پنج میلیون مهاجر و آواره بر جای گذاشت.

گروه‌های مجاهدین که علیه دولت افغانستان و اشغال کشور فعالیت داشتند، مورد پشتیبانی‌های مالی و نظامی از منابع مختلف از جمله ایالات متحده آمریکا، عربستان سعودی، بریتانیا، پاکستان، ایران، مصر، اندونزی، کانادا، جمهوری خلق چین و دیگر کشورها قرار داشتند و در مقابل دولت افغانستان مورد پشتیبانی هند نیز قرار گرفته بود.

جنگ افغانستان نقطه عطف مهمی در دوران جنگ سرد محسوب می‌گردد و همچنین سهم بزرگی بر پایان جنگ سرد داشت.

بواسطه روند طولانی جنگ، جنگ افغانستان به "جنگ ویتنام شوروی" تشبیه شده و از دیگر نامهای مشهور آن "تله خرس" می‌باشد.^{[19][20][21]}

۱ زمینه‌ها

۲ تشکیل و انشعاب حزب دموکراتیک خلق افغانستان

حزب دموکراتیک خلق افغانستان (کمونیستی) در تاریخ ۱۱ دی ۱۳۴۳ (۱ ژانویه ۱۹۶۵) در دهه پایانی سلطنت ظاهرشاه، با ارگان نشریه خلق عضویت و یازده نفر عضو کمیته مرکزی به ترتیب هفت عضو اصلی عبارت از: نورمحمد ترکی (دبیر اول)، ببرک کارمل (دبیر دوم)، صالح محمد زبیری، محمد طاهر بدخشی، سلطان علی کشتمند و شهرالله شهپر و غلام دستگیر پنجشیری چهار عضو علی‌البدل (مشاور) مرکب از: عبد الکریم میثاق، دکتر شاه ولی، دکتر ظاهر زدران و وهاب صافی، به صورت مخفیانه تشکیل گردید.

حزب دموکراتیک خلق از ابتدای تاسیس دچار اختلاف و چند دستگی عمدتاً به دلیل رقابت‌های دبیران اول و دوم بود که در نهایت در بهار ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) به انشعاب و تشکیل دو گروه خلق به رهبری نورمحمد ترکی و پرچم به رهبری ببرک کارمل انجامید و یک دهه ادامه یافت. وجه تمایز اصلی میان این دو جناح به تفاوت‌های قومی عناصر متشکل آن باز می‌گشت، جناح خلق عموماً از پشتون‌ها و پرچم بیشتر از تاجیک‌ها و فارس زبان و دیگر قومیت‌های شمال افغانستان مانند ازبک‌ها تشکیل شده بود. در سال ۱۳۵۵ (۱۹۷۷) تحت فشار شوروی این دو جناح بار دیگر متحد شدند که صرفاً جنبه ظاهری و ناکارآمدی داشت.^[22]

در آخر با دستور حفیظ الله امین که توسط پسرش به گلاب زوی ابلاغ شد کودتا در ساعات آغازین روز ۷ ثور- اردیبهشت ۱۳۵۷ (۲۷ آوریل ۱۹۷۸) آغاز و طی آن مراکز مهم از جمله وزارت دفاع تصرف و کاخ ریاست جمهوری به محاصره درآمد و پس از مقاومت شدید نیروهای گارد ریاست جمهوری که تا صبح ۸ اردیبهشت- ۲۸ آوریل ادامه داشت، در زمانی که مقاومت گارد به پایان رسید یکی از کوماندوهای کودتا وارد کاخ شده و کل حاضرین بیش از سی تن از جمله خانواده، اقوام و اطرافیان و در آخر از همه خود داوود خان با شلیک رگبار گلوله به قتل رسیدند. در این زمان با تشکیل شورای انقلابی، در ۱۰ اردیبهشت (۳۰ آوریل) نور محمد ترکی دبیر کل حزب دموکراتیک خلق به عنوان رییس شورا و نخست وزیر انتخاب شد.

در این کودتا علی‌رغم اظهار نظرهای مختلف از جمله گفته سرهنگ عبد القادر که هر گونه دخالت خارجی را مردود شناخته بود اما هماهنگی، نقش و تمایل شوروی در آن محسوس است که از جمله موارد آن دستور امین به گلاب زوی در صبح ۷ اردیبهشت در مورد تماس با مسکو و اعلام خبر قصد انجام عملیات و شناسایی سریع دولت کودتا در زمانی که هنوز درگیری‌ها در کابل وجود داشت، نشان از پشتیبانی شوروی از کودتا گران بود.^[26]

۶ آغاز شورش‌ها

در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) ترکی مجموعه‌ای از اصلاحات ریشه‌ای برخی سنن مدنی اسلام به خصوص قوانین ازدواج و ریشه کن نمودن فئودالیسم را در افغانستان مد نظر قرار داده^[27] و در این میان دولت وی اجازه هیچ گونه مخالفتی را با روند اصلاحات خود نمی‌داد^[28] و در جواب نا آرامی‌هایی که در سطح کشور بروز کرده بود با خشونت پاسخ می‌گفت. گفته می‌شود که در مدت زمان میان کودتای هفتم ثور در اردیبهشت ۵۷ تا تهاجم شوروی در دی ۱۳۵۸ نزدیک به ۲۷,۰۰۰ نفر که شامل تعدادی از روحانیان و بزرگان روستایی نیز بود،^[29]^[30] در زندان مخوف پلچرخ در نزدیکی کابل اعدام شده بودند. بسیاری از اشخاص برجسته سنگترا، بزرگان و موسسان دینی و روشنفکران نیز از کشور گریخته بودند.^[31]

قسمت‌های وسیعی از کشور را شورش فرا گرفت. بعدها دولت پرچم به ریاست ببرک کارمل که پس از تهاجم شوروی تشکیل شده بود، عنوان نمود که در دوران حکمرانی ترکی و امین ۱۱,۰۰۰ تن به جهت مقابله با شورش‌ها اعدام شده بودند.^[32]

در اواسط سال ۵۷ شورش در قبایل نورستانی واقع در دره کنر در قسمت شمال شرقی کشور در نزدیکی مرز با پاکستان آغاز و به سرعت به سایر گروه‌های قومی سرایت کرد. شورش در هرات با تحت کنترل درآوردن شهر به رهبری اسماعیل خان یکی از افسران جدا شده از تیپ ۱۷ ارتش در هرات که بعدها به یکی از رهبران معروف جهادی بدل شد، در ماه اسفند ۱۳۵۷ (مارس ۱۹۷۹) آغاز شد. شورش هرات بین ۳,۰۰۰ تا ۵,۰۰۰ هزار کشته و مجروح به جای گذاشت. حدود ۱۰۰ نفر از اتباع شوروی و خانواده هایشان نیز جز کشته شده‌ها بودند.^[33]^[34]

محاسبات دقیق اعلام می‌دارد که از بیش از ۸۰,۰۰۰ سرباز ارتش افغانستان، بیشتر از نیمی از آنان گریخته یا به قیام کنندگان پیوسته بودند.^[35]

۷ روابط افغانستان و شوروی

کمیته‌های همه‌جانبه اتحاد جماهیر شوروی به سرعت از سال ۱۲۹۸ (۱۹۱۹) با استقلال این کشور از انگلستان، در دوران سلطنت امان‌الله شاه آغاز شد و همچنین اولین کشوری در جهان بود که استقلال آن کشور را به رسمیت شناخت. این پشتیبانی‌ها در زمانی صورت می‌گرفت که هنوز از انقلاب روسیه چندی نگذشته بود و هنگامی که حکومت تازه تاسیس روسیه، خود درگیر جنگ داخلی با طرفداران رژیم سابق تزاری معروف به روس‌های سفید بود. در آن زمان این کشور اقدام به تهیه سلاح‌های سبک،

محمد عزیز نعیم، برادرزاده داوود خان و سلطان علی کشتمند از رهبران حزب و نخست وزیر سابق افغانستان، موضوع توافق قبلی را رد کرده‌اند.

به گفته سید طیب جواد، محقق تاریخی و اجتماعی افغانستان، داوود خان اکثر افسران مد نظر برای کودتا را از گروهی مخفی در ارتش به نام سازمان انقلابی قوای مسلح و به گفته سید محمد گلاب زوی از طریق رابطین داوود خان و ارتش، جلب می‌شدند.

در مورد نقش شوروی در کودتای ۲۶ سرطان هنوز اختلاف نظر وجود دارد، برخی مانند ولادیمیر باسوف استاد انستیتوی روابط بین‌المللی وزارت خارجه روسیه، دخالت مستقیم شوروی در کودتا را مردود می‌داند اما در عین حال سازمان انقلابی قوای مسلح بنا به گفته سید طیب جواد در سال ۱۳۶۴ حدود یک سال پیش از تاسیس حزب دموکراتیک زیر نظر جی آر یو سازمان اطلاعات نظامی شوروی تشکیل شده بود.^[24]

۵ کودتای ثور

نوشتار اصلی:انقلاب ثور

هم‌چنین ببینید:جمهوری دموکراتیک افغانستان

حکومت داوود خان نیز خود درگیر ضعف اقتصادی و نارضایتی عمومی بود. با این حال پس از به قدرت رسیدن، وی در صدد کاستن قدرت نیروهای چپ و نفوذ شوروی در افغانستان بود و به این دلیل در صدد گسترش و بهبود روابط با غرب و سایر همسایگان بود. بدین جهت روابط با پاکستان را که به دلیل ادعاهای داوود خان در مورد منطقه پشتونستان^[25] و پشتیبانی دولت ذوالفقار علی بوتو نخست وزیر وقت پاکستان از فراریان اسلامگرا از جمله برهان الدین ربانی که قصد انجام کودتا در ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) داشت، تیره شده بود را بهبود بخشید و رابطه با ایران را نیز با دریافت کمک مالی دو میلیارد دلاری محمدرضا پهلوی پادشاه ایران، افزایش داد (با این کار عملاً شوروی به حامی دوم مالی افغانستان تبدیل شده بود).

یکی از دلایل این بهبود روابط، سوظن شدید دولت‌های مذکور به گرایشات و وجود عناصر چپ در حکومت داوود خان بود. گفته می‌شود که سازمان اطلاعات و امنیت ایران (ساواک) و سرویس اطلاعاتی پاکستان فعالیت‌هایی ضد رژیم کابل در آن کشور به دلایل فوق داشتند. همچنین گسترش رابطه با برخی دیگر از کشورهای عربی منطقه نیز مد نظر قرار گرفته بود.

از سویی دیگر داوود خان به حذف و سرکوب عناصر کمونیست از دولت و ارتش پرداخته بود که از آن جمله می‌توان به انفصال دویست تن از افسران تحصیل کرده شوروی و حذف پاچاگل وفادار و عبدالحمید محتاط وزرای سرحدات و مخابرات اشاره کرد. مسائلی از این دست برای شوروی جالب نبود و در دومین سفر داوود خان به آن کشور باعث مشاجره تندی میان وی و برژنف شد. این مسائل منجر به پشتیبانی بیشتر شوروی از حزب دموکراتیک خلق می‌شد.

نقطه عطف کشمکش‌های حزب و رژیم مرگ مرموز میر اکبر خیبر از رهبران حزب در ۲۸ فروردین ۱۳۵۷ (۱۷ آوریل ۱۹۷۸) بود. روند تشیع جنازه وی منجر به تظاهرات وسیعی در شهر کابل شد که حکومت را به وحشت انداخت. نزدیک به پانزده هزار نفر در جریان تشیع جنازه وی شرکت داشتند.

در شب ۲۵ آوریل اعلام شد که برخی رهبران حزب دموکراتیک از جمله نورمحمد ترکی و ببرک کارمل دستگیر شده‌اند. بسیاری دیگر از مقامات حزبی نیز یا مانند حفیظ الله امین در منازل تحت نظر قرار گرفته یا مخفی شدند. از آنجا که پس از تشیع خیبر احتمال دستگیری رهبران حزب توسط رژیم می‌رفت، پیش از آغاز آن برنامه ریزی‌هایی به ویژه با هماهنگی حفیظ الله امین رهبر شاخه نظامی جناح خلق با افسران حزبی صورت گرفته بود که در راس آنها سید محمد گلاب زوی عضو رابط افسران کودتا، سرگرد اسلم وطنجار فرماندهی نیروی زرهی کودتا و سرهنگ عبدالقادر رییس ستاد نیروی هوایی، قرار داشتند و در آماده باش قرار گرفته که در صورت لزوم اقدام به بدست گیری قدرت نمایند.

که شامل دو ناو هواپیمابر نیز می‌شد، مستقر کرد بود که یکی ناوها به طور ثابت در خلیج فارس به جهت تهدیدهای جنگی بین آمریکا و ایران مستقر شده بود.^[41]

در ۶ فروردین ۱۳۵۸ (۲۶ مارس ۱۹۷۹) پیمان صلحی بین اسرائیل و مصر با پشتیبانی آمریکا منعقد شد، شوری مشاهده نمود که موافقتنامه مذکور امتیاز بزرگی برای آمریکا محسوب می‌شود و می‌دید که این معاهده صرفاً نه یک موافقتنامه صلح میان متحد سابقان مصر و اسرائیل مورد پشتیبانی آمریکا، بلکه یک پیمان نظامی است^[42] به طوری که یکی از روزنامه‌های شوری بیان کرد که اکنون مصر و اسرائیل «ژاندارم پنتاگون» هستند. در مجموع آمریکا در آن زمان بیش از ۵۰۰۰ موشک به عربستان سعودی فروخته و همچنین منبع پشتیبانی شورشیان سلطنت طلب یمن شمالی در جنگ داخلی آن کشور بر ضد دولت ناصرست شده بود.

همچنین اتحاد شوری در گذشته روابط مستحکمی با عراق داشت که اکنون رو به ضعف نهاده بود. در ژوئن ۱۹۷۸ (خرداد و تیر ۱۳۵۷) عراق جهت معامله تسلیحاتی با غرب وارد مذاکره شد و سلاح‌هایی نیز از فرانسه و ایتالیا خریداری کرد، با این وجود هنوز هم بخش اعظم معاملات تسلیحاتی عراق با شوری، اعضای پیمان ورشو و جمهوری خلق چین صورت می‌گرفت.

در کل، وضعیت موجود به خصوص در منطقه خاورمیانه به شدت متشنج و بحران‌آفرین بود.

۹ اقدامات نظامی شوری پیش از اشغال افغانستان

دولت افغانستان معاهده‌ای محرمانه در دسامبر ۱۹۷۸ (آذر ۱۳۵۷) به امضا رسانده بود که به موجب آن می‌توانست از قوای شوری تقاضای کمک نظامی داشته باشد.

تقاضاهای مکرر افغانها در بهار و تابستان ۱۳۵۸ (۱۹۷۹) صورت پذیرفت. در خواست‌های اصلی مبنی بر کمک به تامین امنیت و یاری رسانی در مبارزه با شورشیان مجاهدین بود. دولت افغانستان در ۲۵ فروردین ۱۳۵۸ (۱۴ آوریل ۱۹۷۹) تقاضای اعزام ۱۵ تا ۲۰ هلیکوپتر همراه با پرسنل مربوط به آن را نمود که دولت شوری نسبت به درخواست افغانها در ۲۶ خرداد ۱۳۵۸ (۱۶ ژوئن) همان سال با اعزام دسته‌های تانک، خودروهای زرهی و نیرو جهت حفاظت از دولت و همچنین فرودگاه‌های نظامی بگرام و شیندند واکنش نشان داد، همچنین یک گردان هواپیمای بدون تجهیزات با هواپیما در ۱۶ تیر (۷ ژوئیه) به فرماندهی سرهنگ آ. لمانین به صورت پنهانی و در پوشش کارشناسان فنی در فرودگاه بگرام به زمین نشستند البته این نقرات مستقیماً تحت امر مافوق نظامی خود بودند و دخالتی در اوضاع سیاسی جاری نداشتند و در حقیقت نقش محافظان شخصی رییس جمهور ترکی را بر عهده داشتند.

در آن زمان چندین سیاستمدار برجسته حزب کمونیست شوری از جمله الکسی کاسیگین و آندره گرومیکو مخالف مداخله نظامی در افغانستان بودند.

بعد از یک ماه مقامات افغان خواستار اعزام هنگ و یگان‌های بزرگتر را خواستار بودند.

در تیر ماه دولت تقاضای اعزام دو واحد موتوریزه را نمود و در روزهای بعد اعزام سریع یک واحد هوایی را خواستار شدند. تکرار درخواستهای بیشتر و تقاضاهای گوناگون تا دی ۵۸ (دسامبر ۱۹۷۹)، سه ماه پس از روی کار آمدن امین ادامه داشت. البته دولت شوری عجله چندانی در اجابت خواسته افغان‌ها نشان نمی‌داد که چه بسا به دلیل عدم تمایل اولیه مقامات شوری به مداخله نظامی بود.

شورشیان ضد کمونیست بیشتر از طرف ایالات متحده مورد پشتیبانی بودند. مدیر پیشین سیا و وزیر دفاع اسبق آمریکا «اربرت گیتس» در خاطراتش عنوان نمود که در پوشش سرویس اطلاعاتی آمریکا از شش ماه قبل از اقدامات نظامی شوری در افغانستان، تهیه کمک‌های مالی به گروه‌های

مهمات و تامین زرادخانه، کارخانه باروت سازی، تعدادی هواپیما و (مطابق اسناد منتشره از منابع شوری) مبلغ یک میلیون روبل طلا جهت پشتیبانی از مقاومت افغان‌ها در طول جنگ سوم انگلیس و افغانستان نمود، در موردی دیگر به دنبال ممنوعیت ترانزیت کالاهای افغان از خاک هندوستان (پاکستان کنونی)، با ایجاد معاهده‌ای، کالاهای افغانستان بدون پرداخت عوارض از خاک شوری عبور می‌کرد.

اتحاد شوری مجدداً در سال ۱۹۴۲ مبادرت به تقویت نیروهای افغان با تهیه سلاح‌های سبک، هواپیما و تاسیس مراکز آموزشی در تاشکند (پایتخت جمهوری شوری ازبکستان) نمود. همچنین نظامیان شوری و افغانستان همکاری‌های دائمی خود را از سال ۱۹۵۶ آغاز کردند که دلیل اصلی آن می‌تواند تسلیح پاکستان توسط آمریکا و عدم قبول آن کشور به فروش سلاح به افغانستان باشد و در سال ۱۹۷۰ با امضای یک موافقتنامه، اتحاد شوری اقدام به ارسال مستشاران نظامی کرد.

در دسامبر ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) معاهده‌ای پیش از شروع جنگ به امضا رسید که بر اساس آن دولت کمونیست افغانستان جهت پشتیبانی نظامی به اتحاد شوری مجوز داد. در مجموع افغانستان در اکثریت امور اعم از نظامی، فنی، تجاری و غیره وابستگی کاملی به شوری داشت.^[36]

۸ شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی در زمان اشغال افغانستان

پس از روی کار آمدن جمهوری دموکراتیک افغانستان، در همین زمان رابطه با اتحاد شوری که در اواخر جمهوری گذشته به جهت اختلاف داوود خان و برژنف تنزل یافته بود را در ۱۴ آذر ۱۳۵۷ (۵ دسامبر ۱۹۷۸) با امضای یک معاهده دوستی دو جانبه از سر گرفته شد.

در ۱۲ تیر ۱۳۵۸ (۳ ژوئیه ۱۹۷۹) ریاست جمهوری ایالات متحده جیمی کارتر اولین دستورات را مبنی بر کمک به مبارزین (مجاهدین) علیه حکومت تحت پشتیبانی شوری را به امضا رساند.^[37] هدف ایالات متحده از این طرح که بر اساس تز زیگنیو برژینسکی مشاور امنیت ملی آمریکا انجام می‌گرفت، کشاندن اتحاد شوری به "تله افغانستان" بود^[38] لکن حضور نظامی روسها در منطقه دارای سابقه‌ای طولانی در تاریخ است. در جریان رقابت‌های سیاسی_نظامی امپراتوری‌های بریتانیا و روسیه در آسیای میانه که به اصطلاح "بازی بزرگ" مطرح است، در سال ۱۲۶۴ (۱۸۸۵) منجر به درگیری نظامی با نیروهای افغان در دوران امیر عبدالرحمان خان در منطقه پنجده در شمال افغانستان شد که در نهایت با پیروزی قوای تزاری و تصرف نواحی جنوبی رود آمودریا به پایان رسید.

صرف نظر از رقابت‌های بازی بزرگ، به طور حتم از دلایل مداخلات نظامی روسیه در افغانستان و منطقه آسیای میانه پیروی از سیاست دستیابی به آبهای گرم که منتسب به وصیتنامه پتر کبیر می‌باشد (که در مورد وجود چنین وصیت نامه‌ای تردید وجود دارد)، صورت گرفته که همین برنامه نیز توسط اتحاد شوری مورد پی گیری قرار گرفت لکن بیشتر با سعی بر اعمال نفوذ و تاثیر گذاری و مداخله در سیاست داخلی افغانستان.

همانطور که عنوان شد توجه به منطقه در دوران شوری نیز دنبال شد که از نمونه‌های آن ارسال میلیون‌ها روبل کمک اقتصادی و نظامی بین سالهای ۱۳۳۴ تا ۱۳۵۷ (۱۹۵۵-۱۹۷۸) در دوران حکومت ظاهر شاه و داوود خان می‌باشد.^[39]

در بهمن ۱۳۵۷ (فوریه ۱۹۷۹) وقوع انقلاب اسلامی در همسایه افغانستان، ایران منجر به برکناری محمد رضا پهلوی پادشاه مورد پشتیبانی آمریکا شد و در همان زمان «آدولف دابز» سفیر ایالات متحده در افغانستان توسط ستیزه جویان «حزب ستم ملی» ربوده و در طی حمله‌ای که جهت آزاد سازی وی توسط پلیس افغانستان و یاری مشاوران شوری انجام گرفت به قتل رسید. قتل سفیر آمریکا تاثیر مهمی در تیرگی روابط افغانستان و ایالات متحده داشت.^[40]

ایالات متحده در آن زمان ۲۰ کشتی نظامی در خلیج فارس و دریای عرب

خرداد ۱۳۵۸ (می ۱۹۷۹) پیگیری شد (سنای ایالات متحده این معاهده را به تصویب نرساند و عملاً به اجرا در نیامد که ظاهراً در اعتراض به حمله شوروی به افغانستان بود). این روال سرانجام نتیجه خود را نمایان ساخت و راه را برای نفوذ و در نهایت تهاجم نظامی به افغانستان جهت حفظ و تحکیم رژیم افغانستان و مداخله نظامی در آن کشور انجامید. [نیاز به ذکر منبع]

۱۰ ورود و اشغال افغانستان

در ۹ شهریور ۱۳۵۸ (۳۱ اکتبر ۱۹۷۹)، مخبرین شوروی در ارتش افغانستان که تحت فرمان دایره داخلی مشاوران زیر نظر رهبری شوروی، برزنف قرار داشتند اعلام کردند که تانک‌ها و سایر تجهیزات بسیار مهم نظامی نیاز به تقویت دارند. در ضمن، برقراری ارتباط با مناطق خارج از کابل مشکل بود و پایتخت در انزوا قرار داشت.

با وخیم شدن اوضاع امنیتی، در ۴ دی (۲۵ دسامبر) تعداد زیادی از نیروهای هوای شوروی در کابل فرود آمدند. همزمان امین به دفتر ریاست جمهوری در کاخ تاج بیگ نقل مکان کرد، زیرا گمان می‌نمود این مکان امنیت وی را از تهدیدات تامین می‌نماید. بنا به اظهارات سرهنگ توخارینف و مریمسکی، امین از تحرکات ارتش اطلاع کامل داشت، همچنین درخواست اعزام ارتش شوروی را به شمال افغانستان در ۲۶ آذر (۱۷ دسامبر) مطرح کرده بود. [54][55] برادر وی و ژنرال دیمیتری چیانگف طی ملاقاتی با فرماندهی سپاه چهل پیش از آغاز تهاجم، اقدام به تأمین مسیرها و مکان‌های استقرار دسته‌های ارتش نموده بودند. [56] در ۶ دی (۲۷ دسامبر)، ۷۰۰ نفر از نفرات شوروی در یونیفرم افغانی، شامل نیروهای ویژه کاگ ب و گ ا یو از گروه‌های آلفا و زینت، مراکز مهم دولتی، نظامی و ساختمان رادیو و تلویزیون در کابل به همراه هدف اصلیشان کاخ ریاست جمهوری تاج بیگ را تصرف کردند.

در ساعت ۱۹:۰۰ عملیات نابودی مراکز ارتباطی کابل و فلج نمودن فرماندهی ارتش افغانستان توسط گروه زینت به فرماندهی کاگ ب آغاز شد. در ساعت ۱۹:۱۵، حمله به کاخ تاج بیگ آغاز شد و به صورتی که در برنامه حمله پیش بینی شده بود، رئیس جمهور حفیظ الله امین کشته شد. همزمان نیز سایر اهداف تحت تصرف درآمدند، از جمله وزارت کشور که در ساعت ۱۹:۱۵ اشغال شد. عملیات تا صبح فردا، ۷ دی (۲۸ دسامبر) به پایان رسید.

فرماندهی ارتش شوروی در ترمذ، واقع در مرز ازبکستان با افغانستان، از طریق رادیو کابل اعلام کرد که افغانستان از سیطره حکومت امین رها شده است. بنا بر اظهارات پولیت برو (کمیته اجرایی حزب کمونیست) اتحاد شوروی به تبع معاهده دوستی، همکاری و حسن همجواری اقدام به گسیل نیرو به افغانستان نموده است و حفیظ الله امین توسط دادرسی که توسط شورای مرکزی انقلابی افغانستان صورت پذیرفت، اعدام شده است.

شورای انقلابی در آن موقع ببرک کارمل معاون سابق نخست وزیر و رهبر جناح پرچم را که به دنبال تصاحب قدرت توسط جناح خلق، به سمت کم اهمیت سفارت چکسلواکی تنزل مقام یافته و سپس عزل شده بود را به عنوان رهبری دولت جدید انتخاب نمودند که در حقیقت دست نشانده مستقیم شوروی بود. وی نیز بر حضور نظامی شوروی تأکید داشت. [57]

نیروی زمینی شوروی در تاریخ ۶ دی (۲۷ دسامبر)، تحت فرماندهی مارشال سرگی سوکولف از جانب شمال وارد افغانستان شد. در صبح، گارد ۱۰۳ هوایر «ویتسک» در فرودگاه بگرام به زمین نشست و سایر دسته‌های شوروی نیز در حال پیشروی بودند. نیروهایی که وارد افغانستان شده بودند، در جمع شامل لشکر ۱۰۳ هوایر، تحت فرماندهی سپاه چهل و متشکل از گارد ۱۰۸ و ۵ لشکر موتوریزه، بخش ۸۶۰ هنگ موتوریزه، بخش ۵۶ تیپ هوایر تهاجمی، جوخه هوایی مختلط ۳۶. سپس ۲۰۱ ستون و لشکر ۵۸ موتوریزه همراه با سایر یگان‌های کوچکتر وارد کشور شدند. [58]

در مجموع، میزان اولیه نیروهای شوروی حدود ۸۰۰۰۰ سرباز، ۱۷۸۰۰ تانک و ۲۰۰۰ زره پوش جنگنده بود. در دومین هفته از تهاجم،

مجاهدین آغاز شده بود. رئیس جمهور جیمی کارتر با امضای یک سری دستورات اجرایی در ۱۲ تیر ۱۳۵۸ (۳ ژوئیه ۱۹۷۹) به سیا جواز انجام عملیات تبلیغاتی بر ضد رژیم کمونیستی افغانستان را داده بود. [43]

در سال ۱۹۹۸ برژینسکی در مصاحبه‌ای [44] با نشریه فرانسوی "لو نوول آبزرواتور" عنوان نمود: ما روسها را مجبور به مداخله نکردیم، ولی تعمداً احتمال مداخله آنان را افزایش دادیم... که در این مورد انجام عملیات مخفیانه عالی ترین راه کار بود. این کار تأثیر بسزایی بر نقشه‌های شوروی در تله افغانستان داشت... روزی که شوروی رسماً تهاجم به افغانستان را آغاز کرد من به رئیس جمهور کارتر نوشتم که: "هم اکنون زمان آن است که یک جنگ ویتنام را به شوروی تقدیم کنیم." [45][46] البته برژینسکی تأکید دارد که تا هفته بعد از تهاجم به افغانستان هیچ نیرویی به پشتیبانی از شورشیان افغان فرستاده نشد.

او بیان می‌دارد که اعمال بعدی به آسانی قابل اثبات هستند، وی عنوان می‌دارد "عملکردها روشن هستند" [47]

دو سند غیر محرمانه پیش از تهاجم شوروی توسط کارتر به امضا رسید که در آنها از اختصاص پشتیبانی‌های مالی یا غیر نظامی به صورت مستقیم و یا توسط کشور ثالث به شورشیان افغان تأکید شده بود و انتشار "جهانی" غیرقابل انتساب به تبلیغات" جهت آشکار نمودن چهره دولت چپگرا افغانستان" که مستبد و مطیع و چاپلوس اتحاد شوروی " بود و مطلع نمودن جهانیان از "تلاش شورشیان افغانستان در بازپسگیری اقتدار کشورشان". با این حال عملکردهای آن زمان نشان می‌دهد که تهیه نیرو برای شورشیان تا سالهای ۱۳۵۸-۵۹ (۱۹۸۰) به وقوع نپیوست. [48][49]

با امضای حکمی از طرف ریاست جمهوری در ۱۲ تیر ۱۳۵۸، کارتر مجوز اختصاص بوجه جهت پشتیبانی از مجاهدین مخالف دولت را که قسمتی از برنامه آژانس مرکزی اطلاعات (سیا) تحت عنوان «عملیات گردباد» می‌شد را صادر کرد. [50]

بر اساس اطلاعات کاگ ب، رهبر شوروی احساس می‌نمود که امین خود در بی‌ثباتی اوضاع در افغانستان نقش دارد. به دنبال کودتای امین و به طبع آن قتل ترکی، مقر کاگ ب در کابل هشدار داد که وی به دنبال راهاندازی «سروکوب‌های خشن و در نتیجه آن پاکسازی جناح مخالف» است. [51] شوروی اقدام به تاسیس کمیسیونی ویژه درباره افغانستان با شرکت ریاست کاگ ب بوری آندروف، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بوریس پونومارف و وزیر دفاع دیمیتری اوستینف نمود.

پس از اردیبهشت ۵۸ (آوریل ۱۹۷۸)، کاگ ب اطلاع داد که امین دست به تصفیه مخالفان از جمله طرفداران شوروی زده است. وفاداری وی به مسکو زیر سوال رفته بود و در از سرگیری ارتباط دیپلماتیک با پاکستان و به احتمال جمهوری خلق چین مورد تردید واقع شده بود. به ویژه در ملاقات‌های محرمانه‌اش با جی. بروس آمستوتس کاردار سفارت آمریکا در کابل، زمانی که هنوز هیچ توافق بین امین و ایالات متحده حاصل نشده بود، باعث گسترش شک و تردید در کرملین شد. [52]

اطلاعات کسب شده توسط ماموران کاگ ب در کابل آخرین دلایل را جهت حذف امین فراهم کرد. احتمال داده می‌شد که دو محافظ شخصی اش عوامل قتل رئیس جمهور سابق نور محمد ترکی بوده باشند و این تردید نیز وجود داشت که وی خود عامل سیا باشد. مسئله آخری، در هر حالت، هنوز هم مورد تردید است زیرا امین به صورت رسمی مکرراً وفاداری خود را به اتحاد شوروی نشان داده بود. ژنرال شوروی واسیلی زاپلانین، مشاور سیاسی، در آن زمان ادعا نمود که چهار وزیر رئیس جمهور ترکی (که به احتمال قوی امین نیز جز آنان بود) مقصر ایجاد بی‌ثباتی در کشور بودند. لاکن به هر ترتیب وی در تأیید این موضوع ناکام بود. [53]

به هر صورت در دهه ۵۰ شمسی (۷۰ میلادی)، اتحاد شوروی به راس بالاترین میزان تحکم در مقایسه با ایالات متحده دست یافته بود [نیاز به ذکر منبع]، چنانچه معاهده سالت ۱ جهت ایجاد همکاری‌های دو جانبه در مورد کاهش سلاحهای اتمی و فناوری‌های میان دو کشور به امضا رسیده بود. در دومین مرحله گفتگوها بین رهبر شوروی برژنف و ریاست جمهوری آمریکا کارتر بازدهی معاهده سابق با انعقاد معاهده سالت ۲ در

سنگینی در ولایات همسایه پاکستان که شهرها و پاسگاه‌های مرزی دولتی تحت تسلط مجاهدین قرار داشت، رخ داد. حملات سنگین شوروی باعث شکستن محاصره‌ها می‌شد اما مجاهدین مرتباً جهت پاکسازی و باز پس گیری سرازیر می‌شدند.^[70] در غرب و جنوب، درگیری‌های بیشتری وجود داشت به جز در شهرهای هرات و قندهار که همیشه تا اندازه‌ای با مقاومت تحت کنترل بودند.^[71]

شوروی از قبل خود را برای نقش فعال در مبارزه با شورشیان آماده نکرده بود و تصور نمی‌کرد که درگیر یک جنگ طولانی مدت شود و عموماً سعی بر پایین نگه داشتن حضورشان داشت به این جهت بیشتر ارتش افغانستان را پشتیبانی می‌کردند.

به هر صورت حضور شوروی در کشور اثر معکوس به دنبال داشت و به عوض تامین آرامش، باعث گسترش فعالیت، قدرت گیری و شمار مجاهدین شد.^[72] گمان شوروی بر این بود که نیروهایشان بیشتر به قدرت و استحکام ارتش افغانستان و تامین امنیت شهرهای بزرگ و خطوط ارتباطی و ترابری کمک خواهند نمود.^[73]

در ارتش افغانستان در صورت وسیعی موضوع فرار از خدمت و گریز از درگیری‌ها وجود داشت به خصوص که در نبردها، نیروهای شوروی آنان را به شکل پیاده‌نظام مورد استفاده قرار داده و خود در خودروهای زرهی و توپخانه‌ها مستقر می‌شدند. وجود این دیدگاه که سربازان افغان را سطح پایین و بی فایده تلقی می‌کرد، موجب تضعیف روحیه آنان می‌شد زیرا بسیاری از نیروهای افغان نه به جهت طرفداری و گرایش به دولت و مرام آن، بلکه صرفاً برای حقوق‌های ماهیانه ارتش گرد آمده بودند.

شوروی جهت سرکوب شورشیان اقدام به تهیه سه استراتژی نمود.^[74] اولین آن ارباب و کشتار جمعی به هدف آشفته نمودن مناطق با استفاده از بمباران‌های هوایی که کارآمد تر از عملیات زمینی بود که منجر به نابودی دهکده‌ها، احشام و محصولات زراعی می‌شد که هدف آن از بین بردن روستاهای نزدیک به مقرهای چریک‌های مجاهد و یا مشکوک به حضور یا یاری رسانی به آنان بود که مبادرت به یورش به دسته‌های شوروی و کاروان‌های نظامی می‌نمودند. مردمان محلی نیز ناچار به انتخاب فرار از خانه و محل زندگیشان و یا مرگ در زیر بمباران بمباران روزانه بودند که زندگی در آن مناطق را غیر ممکن ساخته بود. با توجه به گریز اجباری مردم از محل سکونتشان، شوروی امید به محرومیت گروه‌های مقاومت از پشتیبانی و سلب امنیت پناهگاه‌هایشان داشت. استراتژی بعدی اقدام به تخریب درونی بود که این موضوع مستلزم نفوذ جاسوسان به درون گروه‌های مقاومت و کسب اطلاعات و پرداخت رشوه به قبایل و سران محلی جهت دست کشیدن از انجام تحرکات نظامی بود و در نهایت امر شوروی با توسل بر تهاجمات نظامی در داخل قلمروی چریک‌های مقاومت سعی بر ریشه کنی و تحدید حوزه نفوذ آنان داشت. تجسس‌های کلاسیک و انهدام به وسیله هلیکوپترهای ام ۲۴ که اقدام به پوشش نیروهای زمینی و خودروهای زرهی می‌نمودند، انجام می‌پذیرفت.

مکمل این استراتژی‌ها در سرکوب قیام، استفاده از نیروی خاد (خدمات امنیت دولتی-سرویس امنیتی افغانستان) برای جمع‌آوری اطلاعات، نفوذ در گروه‌های مجاهدین، پخش اخبار و اطلاعات کاذب، رشوه به نیروهای مسلح قبایلی و سازماندهی یک نیروی نظامی وابسته به دولت بود. هرچند که ارزیابی عملکرد موفقیت خاد در نفوذ به گروه‌های مجاهدین دشوار است، لکن این اتفاق نظر وجود دارد که نفوذ این دستگاه به بسیاری از پایگاه‌های گروه‌های مقاومت در افغانستان، پاکستان و ایران با موفقیت همراه بوده‌است.^[75] خاد تصور می‌نمود که موفقیت ویژه‌ای در روشن نگاه داشتن آتش اختلافات سیاسی میان گروه‌های مقاومت دارد اما نتایج بی فایده‌ای بعضاً بروز می‌نمود.^[76] خاد بارها اقدام به ایجاد موافقتنامه‌های بی طرفی جهت جلوگیری از جهت گیری‌های سیاسی در قبایل مختلف نمود که البته مواردی از موفقیت در حفظ وفاداری برخی از آنان به چشم می‌خورد اما بسیاری از این موارد بی‌ثبات و زودگذر بودند. سرنودی، نیروی نظامی ژاندارم تحت کنترل خاد، نتیجه دره‌می در جنگ می‌داد. حقوق مکفی و اسلحه مناسب باعث جذب تعداد زیادی نیروی تازه‌نفس می‌شد، هرچند که امکان داشت که لزوماً این افراد طرفدار نظام کمونیستی نباشند. در طرف دیگر

هواپیماهای جنگنده شوروی بالغ بر ۴۰۰۰ درگیری در کابل داشتند.^[59] با رسیدن دو لشکر بعدی، جمعاً تعداد نیروها بیشتر از ۱۰۰,۰۰۰ پرسنل بود.

۱۱ مواضع بین‌المللی نسبت به تهاجم شوروی

مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز طی صدور قطع‌نامه‌ای با ۱۰۴ رای موافق در مقابل ۱۸ رای، نسبت به تهاجم شوروی به افغانستان اعتراض نمود،^[60] همچنین وزرای خارجه ۳۴ کشور اسلامی با صدور بیانیه‌ای که در آن شوروی به عنوان مقصر و مهاجم در اشغال شناخته شده بود خواستار "خروج سریع و بدون قید و شرط نیروهای اشغالگر" از کشور مسلمان افغانستان شدند.^[61]

۱۲ روند اشغال

در تاریخ ۶ دی (جدی) ۱۳۵۸ خورشیدی، لشکر ۴۰ زرهی ارتش سرخ به افغانستان حمله کرد.^[62] مراحل ابتدایی اشغال کشور شامل اولین درگیری‌ها با گروه‌های متعدد مبارز بود.^[63] دسته‌های نظامی شوروی شکل هوایی و زمینی وارد کشور شده و به سرعت کنترل مراکز مهم شهری اعم از پایگاه‌های نظامی و تاسیسات راهبردی را در اختیار گرفتند. با این حال حضور نیروهای شوروی تأثیری بر آرامش کشور نگذاشت. در داخل تشدید احساسات ملی‌گرایانه باعث تشدید ناآرامی‌ها می‌شد.^[64]

ببرک کارمل ریاست جمهوری جدید افغانستان به علت افزایش ناآرامی و درگیری‌ها و به دلیل عدم اعتماد نسبت به ارتش افغانستان که ناکارآمدی خود را در مبارزه با اغتشاشات ثابت کرده بود، از سپاه چهلیم تقاضا داشت که خود پا به میدان گذاشته و شورش‌ها را سرکوب نماید.^[65]

به این ترتیب قوای شوروی خود را سناً اقدام به مبارزه علیه فعالین شهری، نیروهای قبیله‌ای (که در اصطلاح محلی لشکر نامیده می‌شدند) و برخی مواقع نیز متمرکین در ارتش افغانستان نمود. آنها ناچار بودند که دائماً در حال نزاع بوده و عملیات هوایی و توپخانه به کارهای کوچکشان بدل گشته بود.^[66]

۱۳ اسفند ۱۳۵۸ تا اردیبهشت ۱۳۶۴ (مارس ۱۹۸۰-آوریل ۱۹۸۵): درگیری‌های شوروی

تا این زمان جنگ به شکل دیگری گسترده شده بود. ارتش شوروی شهرها و محورهای اصلی مواصلاتی را تحت تصرف خود درآورده بود، در حالی که گروه‌های مجاهدین در قالب جنگ‌های چریکی به دسته جات کوچکتر تقسیم شده بودند.

تقریباً ۸۰ درصد کشور از کنترل دولت خارج شده بود.^[67] دسته‌های نظامی در مناطق استراتژیک در شمال و شمال شرق به خصوص در امتداد جاده منتهی به کابل مستقر شده بودند. در غرب، شوروی با قدرت سعی بر جلوگیری از نفوذ از ایران داشت و نیروهای ویژه آنان عملیات مخفیانه‌ای در خاک ایران در پایگاه‌های مشکوک به حضور مجاهدین انجام می‌دادند.^[68] برخی مناطق نورستان در شمال شرق و مناطق هزاره جات در ارتفاعات مرکزی افغانستان، تقریباً با توسل به درگیری و زد و خورد غیرقابل نفوذ بودند و می‌توان گفت که روال مستقلی در آنجا جریان داشت.

ارتش مذکور هر از چند گاهی، حملاتی را همراه با چند لشکر در مناطق تحت کنترل مجاهدین به اجرا در می‌آورد. بین سالهای ۱۳۵۸ و ۶۴ (۱۹۸۰ و ۱۹۸۵) نه عملیات در دره استراتژیک پنجشیر صورت پذیرفت لکن تأثیری بر کنترل دولت در این منطقه نداشت.^[69] همچنین عملیات

با ارتش شوروی در ولایات شرقی و یا ایجاد محاصره بزرگی مانند محاصره شهر خوست در ولایت پکتیا در طی یازده سال اشغال این کشور.^[86] اما در عملیات بعدی که با ازدیاد نیروی‌های محلی همراه بود، عموماً پس از حصول نتیجه ناکار آمدی و عدم مهارت این نیروها با انجام عملیات پدافندی توسط سلاح‌های مدرن شوروی نمایان می‌شد اما استقامت لشکرهای محلی باعث چند رسوایی کوچک برای قوای شوروی شده بود و در چندین محاصره به طور متوالی قرار گرفته بودند.^[87]

تجهیز مجاهدین در مقابل مناطق غیر پشتون مشکل بسیار متفاوتی را به وجود آورد. پیش از تهاجم شوروی معدودی از مناطق غیر پشتون دارای سلاح گرم بودند. به زودی با آغاز جنگ آنان دارای بیشترین آمادگی نسبت به گروه‌های ارتشی یا ژاندارمری که دارای ضعف بوده یا در کمین شان نشسته بودند، شدند. فروش بین‌المللی سلاح و پشتیبانی ارتش‌های خارجی گروه‌های محلی را متمایل به دستیابی به مناطق اخیر می‌نمود. مجاهدین از عملیات خرابکارانه نیز بهره می‌گرفتند. در بیشتر موارد عملیاتی از این قبیل اهدافی چون اخلال و انفجار در خطوط انتقال برق و لوله‌های حامل مواد، ایستگاه‌های رادیویی، ادارات دولتی، فرودگاه‌ها، هتلها، سینماها و مواردی از این دست را دنبال می‌نمود. در سالهای ۱۳۶۳ الی ۱۳۶۶ (۱۹۸۵ الی ۸۷) به طور میانگین در هر سال بیش از ۶۰۰ عملیات خرابکارانه بروز می‌کرد. در مناطق هم‌مرز با پاکستان، در هر روز به طور متوسط ۸۰۰ راکت از جانب مجاهدین پرتاب می‌شد. در حد فاصل میان فروردین ۱۳۶۴ و اسفند ۱۳۶۵ (آوریل ۱۹۸۵ و ژانویه ۱۹۸۷)، بیش از ۲۳۵۰۰ خمپاره و مواردی از این قبیل به اهداف دولتی اثبات کرد. مجاهدین در محدوده و مجاورت روستاها مبادرت به انجام عملیات راکتی و موشکی می‌کردند و در عمل در حوزه توپخانه‌های شوروی قرار می‌گرفتند که این موضوع باعث در معرض خطر قرار گرفتن روستاییان می‌شد. مجاهدین همچنین اقدام به کاشت مین در سطح وسیع می‌نمودند و دائماً در حال سربازگیری از میان ساکنین محلی حتی کودکان بودند.

حملات مجاهدین بر روی اهداف نظامی و غیر نظامی از جمله تخریب پلها، مسدود نمودن جاده‌های اصلی، حمله به کاروان‌های عبوری، قطع سیستم‌های انتقال الکتریکی و محصولات صنعتی و حمله به مقرهای پلیس و ارتش افغانستان و شوروی و پایگاه‌های هوایی تمرکز یافته بود. آنان همچنین دست به ترور صاحب منصبان دولتی و اعضای حزب دموکراتیک و تصرف پستهای مرزی و دورافتاده می‌زدند. در مارس ۱۹۸۲ (اسفند ۱۳۶۰ یا فروردین ۱۳۶۱) انفجار بمبی در وزارت آموزش باعث آسیب به چند ساختمان شد. در همان ماه انفجار یک دکل انتقال برق از ایستگاه برق ناقلو باعث خاموشی گسترده در کابل شد. در ژوئن ۱۹۸۲ (خرداد یا تیر ۱۳۶۱) یک گروه متشکل از ۱۰۰۰ تن از اعضای جوان حزب کمونیست که برای کار در دره پنجشیر اعزام شده بودند در ۳۰ کیلومتری کابل در کمین قرار گرفته و دچار تلفات سنگین شدند. در ۱۳ شهریور ۱۹۶۴ (۴ سپتامبر ۱۹۸۵)، تعدادی از اعضای گروه‌های شورشی اقدام به ربایش یکی از هواپیماهای داخلی خطوط هوایی باختر پس از برخاستن از فرودگاه قندهار نموده و کلیه ۵۲ سرنشین آن را به قتل رساندند.

گروه‌های مجاهد برای ترور، به طور متوسط سه الی پنج نفر را در اختیار داشتند. این افراد پس از ابلاغ ماموریتشان جهت ترور صاحب منصبان دولتی، به بازی در نقششان در زندگی روزمره مشغول و به بررسی جزئیات انجام کار پرداخته و در نهایت بهترین روش را برای انجام عملیات انتخاب می‌کردند. جهت انجام عملیات از روش‌هایی از جمله تیر اندازی به داخل اتومبیل، شلیک از داخل اتومبیل، تله انفجاری در مکانهای دولتی یا منازل، استفاده از سموم و یا کارگذاری ابزارهای منفجره و محترقه در اتومبیل، استفاده می‌شد. در سال ۱۳۶۴ (می ۱۹۸۵)، هفت حزب اصلی مبارز در پاکستان، به سبب ایجاد هماهنگی در انجام عملیات نظامی بر ضد شوروی و دولت افغانستان، اقدام به اتحادی در قالب هفت حزب مجاهدین نمودند. تا آخر سال ۱۹۸۵ (دی ۱۳۶۴)، گروه‌های فعال در داخل و اطراف کابل مبادرت به پرتاب راکت و هدایت عملیات بر ضد مواضع مورد نظر می‌نمودند.

در اواسط سال ۱۳۶۶ (۱۹۸۷)، اتحاد شوروی اعلام کرد که قصد آغاز خروج از افغانستان را دارد. صیغ الله مجددی از جانب گروه‌های مجاهد

ماجرا مسئله‌ای که به چشم می‌خورد این بود که بسیاری از نیروهای جذب شده در حقیقت از اعضای گروه‌های مجاهد بودند که جهت تحصیل پول و سلاح و دسترسی به مهمات و در عین حال جمع‌آوری در مورد عملیات آتی به عضویت سرنودی درآمده بودند.^[77]

در سال ۱۳۶۴ (۱۹۸۵) حدود نفرات ذخیره شوروی به ۱۰۸,۸۰۰ تن افزایش و درگیری‌ها در سراسر کشور گسترده شده بود که بدین ترتیب این سال را به خونین‌ترین سال جنگ بدل کردن بود. به هر ترتیب، علی‌رغم دشواری‌های جنگ، مجاهدین توانایی استقامت در میداين نبرد و مقاومت در برابر شوروی را از خود نشان می‌دادند.

۱۴ ۱۳۵۸ (۱۹۸۰): قیام برضد حضور شوروی و دولت افغانستان

در سالهای پایانی دهه ۵۰ در دهه ۶۰ خورشیدی (دهه ۱۹۸۰)، جنبش مقاومت افغان با پشتیبانی ایالات متحده، پاکستان، ایران، عربستان سعودی، بریتانیا، مصر،^[78] جمهوری خلق چین و سایر کشورها با تحریک احساسات بین‌المللی جهت مقاومت در برابر ارتش مجهز و پر هزینه شوروی دریافت مساعدت داشت.

آمریکا می‌دید که در حقیقت جنگ افغانستان به یک نبرد تمام عیار جنگ سرد بدل گشته و بدین ترتیب پیروی برنامه گردباد، سیا اقدام به یاری رسانی به نیروهای درگیر به واسطه سرویس اطلاعاتی پاکستان می‌نمود.^{[80][79]}

پدیده‌ای مشابه فعالیت مبارزین افغان در کشورهای اسلامی-عربی، ظهور مبارزانی بود که به خاطر پول یا مسائل اعتقادی برای جهاد با نیروهای کمونیست راهی افغانستان می‌شدند. برجسته‌ترین شخصیت در این میان جوانی سعودی به نام اسامه بن لادن بود که گروه عرب وی سرانجام با نام القاعده دارای شهرت بین‌المللی شد. جنگ باعث به وجود آمدن رهبران مطرحی شده بود.^{[81][82][83]}

جنبش مقاومت افغان در هرج و مرج زاده، گسترده و بر آن اساس پیروز شد و بدین ترتیب شیوه مشخصی را نیز برای حکومت کردن نیافت.

گفته می‌شود که تمامی منازعات با پشتیبانی و دستمزدهای جنگ سالاران محلی صورت می‌پذیرفت. چنانکه درگیری‌ها گسترده‌تر می‌شد، پشتیبانی‌های خارجی و پیوستگی بیشتر سایر مناطق نیز افزایش می‌یافت. پس همواره، رشد و فعالیت سازمان مجاهدین و گسترش فعالیتشان به ازدیاد پایگاه‌ها می‌انجامید.^[84]

بر اساس تخمین‌های اولیو روی محقق افغانستان شناس، با گذشت پنج سال از آغاز جنگ ۴,۰۰۰ پایگاه وابسته به مجاهدین شکل گرفته و مشغول به فعالیت بودند که بیشترشان به یکدیگر مرتبط و با هفت حزب عمده مستقر در پاکستان که در عمل منبع تامین و نظارت و رهبری ایشان بود، در ارتباط بودند. فرماندهان عمده حدود بیش از ۳۰۰ نفر و چندین پایگاه و حداقل یک ناحیه و یا یک واحد را تحت کنترل داشتند. در راس سازمان بزرگان روحانی دارای نقش و جایگاه ویژه و فعالی بودند. عملیات‌های متعدد و گسترده‌ای در حوزه فعالیت احمد شاه مسعود، مشهورترین فرمانده مجاهدین در دره پنجشیر در شمال کابل صورت می‌پذیرفت. وی حداقل حدود ۱۰,۰۰۰ دسته مسلح را تا پایان جنگ آموزش داده و کنترل وسیعی بر مناطق تاجیک نشین شمال شرق افغانستان تحت هیئت سرپرست شمال داشت.^[85]

روی همچنین به توصیف و شرح تقسیم بندی‌های منطقه، قومی و فرقه‌ای گوناگون در سازمان مجاهدین می‌پردازد. در شرق، جنوب و جنوب شرق در مناطق پشتون با ساختار قبیله‌ای و بخش‌های فرعی متعدد و رقیب به تهیه اساس سازمان‌های متعدد نظامی و رهبری می‌پرداختند. تحرکات و بسیج نیروی مبارزات عموماً از روی میل سنتی به مبارزه وفادارانه به لشکرهای قبیله‌ای (نیروهای مسلح قبایل) صورت می‌گرفت. با در نظر گرفتن این موضوع در صورت مساعدت شرایط تشکیلات می‌توانست به سرعت به جمعیتی بیش از ۱۰,۰۰۰ نفر برسد، در حدی که توان درگیری‌های وسیع

ارشد پنتاگون دست آخر در سالهای ۱۳۶۳ تا ۶۵ (۱۹۸۵ تا ۸۶) بر مقاومت دیوانسالاری آمریکا غلبه یافته ریگان را وادار به تهیه هزاران موشک استینگر برای مجاهدین نمود.^{[94][95]}

ایالات متحده، بریتانیا و عربستان سعودی تقبل بیشترین پشتیبانی‌های مالی را به عهده گرفته بودند. آمریکا ۶۰۰ میلیون دلار و دولت‌های حاشیه خلیج فارس با مقداری برابر با رقم مذکور.^[96] جمهوری خلق چین کمک تسلیحاتی با ارسال سلاح تانک تی ۵۹، کلاشنیکف مدل ۶۸، آرپی‌جی-۷ مدل ۵۹ و مصر در همکاری با سیا به نسبت به تهیه مقدار بیشتری سلاح اقدام نمود. مهمترین مورد پشتیبانی‌های تسلیحاتی خارجی اعطای سیستم‌های موشک ضد هوایی استینگر اف‌آی-ام-۹۲ آمریکایی بود که باعث افزایش قابل توجه تلفات هواپیماهای نیروی هوایی شوروی شد. ضربه مهم در این موضوع باعث تغییر تاکتیک‌های شوروی با افزایش هلی کوپتر در حد همکاری قوا، محدودیت روزهای درگیری و همچنین جت‌های نظامی وادار به افزایش ارتفاع در پرواز شده و سایر تدابیر احتمالی نیز در نظر گرفته شد.^{[97][98]}

در ماه مارس ۱۹۸۵ (اسفند ۱۳۶۳ یا فروردین ۱۳۶۴)، دولت ایالات متحده هدف دست یابی به پیروزی مجاهدین را به تصویب رساند. بعد از سال ۱۳۶۴ (۱۹۸۵) سیا و آی اس آی (سرویس اطلاعاتی پاکستان) مجاهدین را ترغیب به حمله به مکانهای نظامی دولتی می‌کردند. تحت هدایت آموزشی مدیر سیا، ویلیام کاسی، سیا آغاز به برنامه‌های آموزشی تکنیکی در تهیه خودروهای انفجاری و ترور اشخاص و هجوم به داخل خاک شوروی با عبور از مرز. آی اس آی و گروه عملیات ویژه ارتش پاکستان فعالانه درگیر در منازعات و همچنین در همکاری با نیروهای ویژه ارتش آمریکا و سیا، سرویس ویژه هوایی بریتانیا به پشتیبانی از مجاهدین اقدام نموده بود.

سرقت مجموع زیادی از کمک‌های بین‌المللی باعث رشد اقتصادی پاکستان شد ولی دارای اثرات مخربی نیز در طول جنگ برای آن کشور بود. بالا کشیدن محموله کمک‌های تسلیحاتی در بندر کراچی منجر به خشونت و بی نظمی در آنجا شد، در حالی که هروئین برای پرداخت مبلغ ترانزیت اسلحه به پاکستان از افغانستان وارد می‌شد و در معضل اعتیاد شراکت داشت.^[99] در جواب کمک‌های پاکستان به شورشیان، خاد-سرویس امنیت افغانستان، تحت رهبری محمد نجیب الله (بعدها آخرین رئیس جمهور کمونیست افغانستان) بنا به اظهارات منتشره در اسناد میتروخین و دیگر منابع دست به انجام عملیات‌های بزرگی بر ضد پاکستان زد، از جمله در سال ۱۳۶۵ تا ۶۶ (۱۹۸۷)، ۱۲۷ حادثه منجر به مرگ ۲۳۴ نفر در پاکستان شد. در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۸)، انفجاری در یک انبار مهمات در خارج از اسلام‌آباد پایتخت پاکستان، دست کم ۱۰۰ کشته و بیش از ۱۰۰۰ مجروح به جا گذاشت که در این حادثه خاد و کاگ ب مظنونان اصلی به شمار می‌رفتند.^[100]

پاکستان پذیرای میلیون‌ها پناهنده افغان، عمدتاً پشتون فراری از اشغال شوروی شده بود. با این حال این مهاجران در داخل ایالت بلوچستان، بزرگترین ایالت پاکستان تحت حکومت نظامی ژنرال رحیم الدین خان، این اعتقاد در بسیاری از مهاجران به وجود آمده بود که بزرگترین جمعیت مهاجر در جهان هستند،^[101] گسترش آن در دیگر مناطق پاکستان همگی اثرات سوی داخلی و امنیتی برای پاکستان داشت که اثرات آن تا به امروز نیز ادامه یافته‌است.

پاکستان در پشتیبانی از مجاهدین مستقیماً نقش عمده‌ای در عقب‌نشینی نهایی نیروهای شوروی از افغانستان ایفا کرد و مستقیماً حتی وارد فاز درگیری هوایی با نیروهای دولتی افغان و شوروی شد.^{[102][103]}

در جهت کوشش برای دفاع از حقانیتشان و مشروعیتشان در مقابل رژیم دست نشانده مسکو، به عنوان ریاست دولت موقت اسلامی افغانستان منصوب شد. مجددی به عنوان رییس دولت موقت افغانستان طی ملاقاتی با معاون رییس جمهور آمریکا، جرج هربرت واکر بوش (بوش پدر)، به پیروزی مهمی برای جنبش مقاومت افغان نایل شد. به عقیده آنان شکست و کنار رفتن رژیم کابل، راحل حل نهایی ایجاد صلح بود. این اعتقاد همراه با شدت یافتن بدگمانی مجاهدین نسبت به سازمان ملل، عملاً تضمینی بر خوداری ایشان از پذیرفتن هر گونه سازش سیاسی شد.

۱۵ گروه‌های درگیر در جنگ

نوشتار اصلی:مجاهدین افغان

۱۶ واکنش‌های خارجی و کمک به مجاهدین

مجاهدین از پشتیبانی‌های نظامی وسیع خارجی و وسیع آمریکا، عربستان، پاکستان و سایر کشورهای اسلامی بهره‌مند می‌شد. در سال ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) آمریکا شروع به آموزش مبارزین و هدایت تبلیغاتی از پاکستان نمود. سپس از (آغاز سال ۱۹۷۹) دی ماه ۱۳۵۷، ماموران سرویس اطلاعاتی ایالات متحده شروع به مذاکره با رهبران مبارز جهت مشخص شدن نیازهایشان کردند.^[88]

یک ماه پس از آغاز تهاجم شوروی، مشاور امنیت ملی آمریکا، زیگنیو برژینسکی شخصاً به پاکستان رفته و در ناحیه‌ای مجاور مرز افغانستان نزدیک گذرگاه خیبر خطاب به مجاهدان محلی گفت: "ما از اعتقاد عمیق شما به خدا را آگاهیم و اطمینان داریم نبردتان همراه با موفقیت خواهد بود. آن سرزمین متعلق به شماس و روزی به آن باز خواهید گشت زیرا مبارزه‌تان به پیروزی منجر می‌شود و بار دیگر خانه‌ها و مساجدتان را باز خواهید یافت، زیرا هدف‌تان صحیح و خدا در کنار شماس است."^[89] مطابق با اظهارات برژینسکی، سیا کمک مالی به مبارزان افغان را در ژوئیه ۱۹۷۹ (تیر یا مرداد ۱۳۵۸)، شش ماه پیش از هجوم شوروی به تصویب رسانید پس با این وجود پیش از تهاجم متعهد به پشتیبانی شده بودند اما سلاح پس از ورود رسمی شوروی فرستاده شد.^{[90][91]}

جیمی کارتر، رئیس جمهور آمریکا معتقد بود که "تجاوز شوروی" نمی‌تواند رخدادی جداگانه در حوزه نفوذ جغرافیایی شوروی باشد چون در حقیقت یک تهدید پنهانی به نفوذ ایالات متحده در خلیج فارس است. آمریکا همچنین در مورد دسترسی شوروی به اقیانوس هند با اتخاذ تریبی با پاکستان نگران بود. ایالات متحده بیشترین گرایش را به پشتیبانی از نیروهای تحت رهبری احمد شاه مسعود داشت و پشتیبانی قابل ملاحظه‌ای از وی در سیاست ریگان موسوم به "عملیات گردباد" در ارتش و نیروهای اطلاعاتی وجود داشت. پشتیبانی اصلی مسعود توسط دو تن از تحلیلگران سیاست خارجی آمریکا، میثائیل جانز و جیمز ای. فیلیپس پایه ریزی شد. پشتیبانی این دو سبب کسب بیشترین سهم وی از سیاست ریگان در مورد جنگ شد. پس از لشکرکشی شوروی به افغانستان، دیکتاتور نظامی پاکستان، محمد ضیاء‌الحق شروع به پذیرش کمک‌های مالی از طرف قدرتهای غربی به عنوان واسطه مستقیم در پشتیبانی از مجاهدین نمود.^[92]

به دنبال انتخاب رونالد ریگان به سمت ریاست جمهوری در سال ۱۳۶۰ (۱۹۸۱)، عمدتاً با تلاش گوسا آوراکوئوس از مقامات سیا و چارلی ویلسون عضو کنگره اهل تگزاس، کمک به مجاهدین به واسطه رژیم ضیا الحق افزایش بیشتری یافت.

ماموران شبه نظامی آمریکا از واحد عملیات ویژه سیا در آموزش، تجهیز و برخی اوقات نیز فرماندهی نیروهای مجاهدین بر ضد ارتش شوروی، فعالیت داشتند. اگر چه در سیا در مجموع و چارلی ویلسون عضو کنگره در عمل بیشترین ریسک را پذیرفته بودند، مشوق این طرح یک مامور جوان شبه نظامی به نام مایکل جی ویکرس بود^[93] (که ظاهراً با گروه‌های مجاهد در ارتباط بود و فعالیت آموزشی داشت). میثائیل پیلسبوری یکی از مقامات

از موارد استثنا دستور عملیاتی مبنی بر پاک‌سازی جاده بین گردز و خوست بود که علی‌رغم به دست نیامدن نتیجه‌ای با دوام، از نظر نمادین واپسین زمان حضور شوروی را همراه با پیروزی نشان داد.^[109]

نیمه ابتدایی سربازان شوروی از ۲۵ اردیبهشت تا ۲۵ مرداد ۱۳۶۷ (۱۵ می تا ۱۶ اگوست ۱۹۸۸) و نیمه بعدی از ۲۴ آبان ۱۳۶۷ تا ۲۶ بهمن ۱۳۶۷ (۱۵ نوامبر تا ۱۵ فوریه ۱۹۸۹) از افغانستان عقب کشیده شدند. در فرمانی برای خروج ایمن قوای نظامی مذاکره‌ای جهت آتش‌بس با فرماندهان محلی مجاهدین صورت گرفت که در نتیجه آن عبور به طور کلی در آرمش صورت گرفت،^[110] به استثنای «عملیات طوفان».

ژنرال یازوف، وزیر دفاع وقت شوروی، به سپاه چهلیم دستور نقض توافق نامه آتش‌بس با احمد شاه مسعود که فرماندهی نیروی مسلح بزرگی را در دره پنجشیر به عهده داشت را صادر کرد. هدف اصلی این عملیات دفاع از دولت نجیب‌الله بود که مسعود را یک خطر به القوه پس از خروج نیروهای شوروی، می‌دانست.^[111] ژنرال گرومف، فرمانده سپاه چهلیم، با وجود عدم تمایل عملیات را انجام داد. عملیات طوفان در ۳ بهمن (۲۳ ژانویه) آغاز و در طی سه روز در حداقل تلفات، شوروی مبادرت به استفاده گسترده از توپخانه دوربرد، موشک زمین به زمین و زمین به هوا کرد. بنا بر گزارشات تلفات غیر نظامیان بسیار زیاد بوده‌است. مسعود تهدیدی برای عقب‌نشینی نیروها محسوب نمی‌شد و پس از نقض توافق حمله به دسته‌های شوروی انجام نداد.^[112] پایان عملیات حاکی از شکست نیروهای مسعود به بهای ۶۰۰ کشته و زخمی بود.^[113]

بعد از خروج شوروی، نیروهای دولتی افغانستان به تنهایی به مبارزه ادامه داده و در عین حال چند مرکز ولایت را نیز واگذار کردند و در میان آنان این اعتقاد که قدرت مقاومت طولانی در برابر مجاهدین نمی‌تواند وجود داشته باشد، گسترده شده بود اما در بهار ۱۳۶۸ (۱۹۸۹)، نیروهای دولتی شکست سختی را نیز به مجاهدین در جلال‌آباد وارد کردند که تنها نتیجه آن باقی‌ماندن جنگ در بن‌بست بود.

دولت رییس‌جمهور کارمل، یک رژیم دست‌نشانده و بی‌ثبات بود. تفرقه و چند دستگی در درون حزب دموکراتیک خلق و به ویژه شاخه پرچم باعث تضعیف دولت شده و تلاش‌های دولت در جهت تثبیت شرایط بی‌نتیجه بود. مسکو می‌دید که اشتباهات وی باعث ایجاد مشکلات شده‌است. سالها بعد، زمانی که کارمل عاجز از تثبیت دولت شده بود، میخائیل گورباچف دبیر کل حزب کمونیست شوروی گفت: به این دلیل حیاتی که یک پارچگی ملی در آنجا (افغانستان) بعید به نظر می‌رسد، با اینحال رفیق کارمل امیدوار به ادامه حکومت با کمک ماست!

در نوامبر ۱۹۸۶، محمد نجیب‌الله، رییس سابق پلیس مخفی افغانستان-خاد، به سمت ریاست جمهوری انتخاب و دولت جدید تشکیل شد. وی به اعلام سیاست آشتی ملی مبادرت نمود که در حقیقت توسط کارشناسان خبره حزب کمونیست شوروی طرح ریزی شده بود که بعدها نیز در دیگر نقاط جهان مورد استفاده قرار گرفت. با وجود انتظار بالایی که از این سیاست جدید و دولت نجیب‌الله می‌رفت هیچ‌کدام موجب محبوبیت و مقبولیت رژیم تحت پشتیبانی مسکو نشد و شورشیان را متقاعد به انجام مذاکره با دولت حاکم نکرد.

انجام مذاکرات غیر رسمی برای عقب‌نشینی شوروی از افغانستان از سال ۱۹۸۲ (۱۳۶۰-۱۳۶۱) شروع شد. در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷)، دولت‌های افغانستان و پاکستان با ایالات متحده و اتحاد شوروی موافقت نامهای در ژنو سوییس برای خروج را مورد موافقت قرار دادند. سازمان ملل نیز انجام عملیات ویژه‌ای در همکاری و نظارت بر عقب‌نشینی نیروهای شوروی را تصویب کرد. از آن سو نجیب‌الله به تحکیم موقعیت سیاسی اش در تطبیق با خروج شوروی پرداخت. در ۲۹ تیر ۱۳۶۶ (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷)، خروج اولین گروه‌های از کشور اعلام شد. برنامه ریزی عقب‌نشینی نیروها شوروی توسط ژنرال بوریس گرومف فرمانده سپاه چهلیم طراحی شد.

از جمله موارد توافقات ژنو عدم مداخله آمریکا و شوروی در امور داخلی افغانستان و پاکستان و تعیین برنامه زمانی خروج بود. موافقت نامه مذکور تا تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۶۷ (۱۵ فوریه ۱۹۸۹) که آخرین گروه از افغانستان

۱۷ فروردین-اردیبهشت ۱۳۶۴ تا دی-بهمن ۱۳۶۵ (آوریل ۱۹۸۵-ژانویه ۱۹۸۷): استراتژی خروج

اولین قدم در شروع طرح خروج نیروهای شوروی، انتقال مسئولیت مبارزه با مجاهدین به نیروهای نظامی افغان با هدف آماده کردن آنها به ادامه فعالیت بدون کمک شوروی بود. در این مدت فعالیت نظامیان شوروی محدود به پشتیبانی نیروهای مسلح افغانستان با آتش توپخانه، تامین هوایی و کمک فنی بود. با این وجود هنوز برخی عملیات در حد وسیع توسط دسته‌های نظامی شوروی صورت می‌پذیرفت.

تحت هدایت شوروی، توان نیروهای مسلح افغانستان، به ۳۰۲,۰۰۰ نفر نیروی رسمی در سال ۱۳۶۵ (۱۹۸۶) ارتقا یافته بود. در به حداقل رساندن احتمال بروز یک کودتا، آنان در بخش‌های مختلفی، با همکاری شوروی تقسیم شده بودند. ترکیب نیروها از قرار، وزارت دفاع ۱۳۲,۰۰۰ نفر، وزارت داخله ۷۰,۰۰۰ نفر و وزارت امنیت دولتی (واد-خاد سابق) ۸۰,۰۰۰ نفر بود. به هر شکل اینها تنها شکل ظاهری و بر روی کاغذ بود، در واقعیت هر ارگان به با معضل ترک خدمت مواجه بود. در این میان ارتش تنها متحمل ۳۲,۰۰۰ در سال شده بود.

تصمیم اصلی به کارگیری ارتش افغانستان توسط شوروی اتخاذ شد که باعث ناراحتی دولت افغانستان بود زیرا حامی اصلیشان در حال رها کردن آنها بود.

در ماه می ۱۹۸۷ (اردیبهشت یا خرداد ۱۳۶۶)، دسته‌ای از نیروهای دولتی به مواضع مجاهدین در ناحیه ارغنداب یورش برد اما مجاهدین طی مقاومت با حفظ موضعشان مهاجمان را متحمل تلفات سنگین کردند.^[104] در بهار ۱۳۶۵ (۱۹۸۶)، حمله‌ای در داخل ولایت پکتیا منجر به اشغال پایگاه مجاهدین در ناحیه زوار به بهای تلفات سنگین شد.^[105]

۱۸ دی-بهمن ۱۳۶۵ تا بهمن ۱۳۶۷ (ژانویه ۱۹۸۷-فوریه ۱۹۸۹): عقب‌نشینی

ورود میخائیل گورباچف آخرین رهبر اتحاد شوروی به صحنه در اسفند ۱۳۶۳ (مارس ۱۹۸۵) و «تفکر جدید» وی در سیاست خارجی و داخلی مهمترین عامل در عزم شوروی به خروج از افغانستان بود. گورباچف در تلاش جهت تغییر دوران رکود (که به سالهای زمامداری برژنف اطلاق می‌گردد) و اصلاحات سیاسی-اقتصادی، با دو برنامه گلاسنوست و پرسترویکا، وارد عمل شد. وی همچنین در تلاش برای کاهش تنش‌های جنگ سرد با امضای معاهده کاهش سلاح‌های هسته‌ای میان برد در سال ۱۹۸۷ با آمریکا و دستور عقب‌نشینی سربازان شوروی از افغانستان که حضورشان باعث افزایش محکومیت‌های بین‌المللی شده بود، واکنش نشان داد. رویارویی و تنش با چین که منتهی به افزایش حضور نظامی در مرز با آن کشور شده بود یکی از بزرگترین اشتباهات برژنف بود. پکن شرط عادی سازی روابط را به بعد از تخلیه افغانستان (و برخی مسائل دیگر) موکول کرد که در سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۹) پس از آغاز عقب‌نشینی، سطح روابط جمهوری خلق چین و شوروی به بالاترین سطح طی ۳۰ سال پیش از آن رسید.^[106] در همان زمان گورباچف، متحدشان کوبا را برای محدودیت فعالیت و عقب‌نشینی از آنگولا تحت فشار قرار داد^[107] و همچنین بسیاری از دسته جات نظامی شوروی از مغولستان در ۱۹۸۷ و همینطور نیروهایی که در ویتنام پس از اشغال کامبوج، در آنجا مستقر شده بودند به مقدار زیادی در سال ۱۹۸۸ عقب کشیده شدند.^[108] تخلیه وسیع نیروها از سرزمین‌های مختلف نشان از این بود که تصمیم به ترک افغانستان ناشی از یک تغییر عمده در سیاست خارجی شوروی بود.

در مرحله آخر نیز عقب‌نشینی دسته‌های نظامی مهیا و به اجرا درآمد. فعالیت‌های تهاجمی محدود تنها انجام پشتیبانی تدافعی بر ضد یورش‌های مجاهدین بود.

۲۲ واکنش بین‌المللی

جیمی کارتر، رئیس‌جمهور ایالات متحده اظهار داشت که تهاجم شوروی به افغانستان بیشترین تهدید را پس از جنگ جهانی دوم برای صلح داراست. کارتر به وضع ممنوعیات بازرگانی بر ضد شوروی در حمل کالاهایی از قبیل غله و سلاح قائل شد. افزایش تیرگی روابط به راحتی از نگرانی غرب در خصوص حضور ده‌ها هزار نظامی شوروی در نزدیکی مناطق نفت خیز خلیج فارس به دوره تنش زدایی خاتمه داد.

رفتار دیپلماتیک بین‌المللی نیز سنگین بود، حوزه تحت رهبری آمریکا در جهان‌المپیک تابستانی ۱۹۸۰ مسکو (۱۳۵۹) را تحریک کرد. در مجموع بیش از ۶۰ کشور، از جمله ایران، المپیک را مورد تحریم قرار دادند. (البته خود افغانستان جز شرکت کننده‌ها بود). اشغال افغانستان به همراه رویدادهای دیگر از قبیل انقلاب ایران و بحران گروگان‌گیری سفارت آمریکا در تهران در ۱۹۷۹ و به دنبال آن آغاز جنگ ایران و عراق در ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، حمله اسرائیل به لبنان در ۱۹۸۲ (۱۳۶۱) و بالا گرفتن تنش‌های میان هند و پاکستان، منطقه خاورمیانه را به شدت آشفته و در شرایط غیر عادی قرار داده بود. جنبش عدم تعهد میان دولت‌هایی که تهاجم شوروی را اقدامی قانونی (به دلیل وجود معاهدات و توافقات سابق) و دولت‌هایی که استقراری غیر قانونی قلمداد می‌کردند تقسیم شده بود. در میان کشورهای عضو پیمان ورشو به رهبری شوروی، تهاجم توسط رومانی محکوم شد.^[119] (پیش از آن نیز در سال ۱۹۶۸ (۱۳۴۷) در پی اشغال چکسلواکی توسط شوروی، به دلیل اتخاذ سیاست خارجی مستقلی از جانب رومانی در عدم همسویی کامل با مسکو، این اقدام نیز محکوم گردیده بود). هند از جمله کشورهایی بود که به پشتیبانی از شوروی و دولت افغانستان می‌پرداخت که می‌تواند به دلیل روابط گسترده با شوروی و مخاصمه با پاکستان که یک طرف درگیر در جنگ و حامی شورشیان قرار گرفته بود، باشد.^[120]

۲۳ ویرانی در افغانستان

کیلان، کارشناس برجسته سوئدی تخمین می‌زند که ۱ تا ۲ میلیون افغان در اثر جنگ جان خود را از دست داده‌اند.^[121] نزدیک به ۵ الی ۱۰ میلیون نفر به ایران و پاکستان گریخته که برابر یک سوم جمعیت کشور پیش از آغاز جنگ بود. به غیر آن حدود ۲ میلیون نفر در داخل کشور آواره شده بودند. در دهه ۸۰ میلادی و با آغاز درگیری‌ها در افغانستان، نیمی از کل مهاجران دنیا را افاغنه تشکیل می‌دادند.^[122]

فیلیکس ارامکورا، گزارشگر ویژه سازمان ملل در افغانستان می‌گوید در درگیری‌های سنگین در مناطق مختلف به قیمت جان ۳۵۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴)، ۱۵۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) و در حدود ۱۴۰۰۰ نفر در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶) تمام شد. وی همچنین اضافه می‌کند که حملات راکتی نیروهای ضد دولتی به مناطق مسکونی سبب مرگ بیش از ۴۰۰۰ غیر نظامی شد.^[123]

همراه با تلفات ۱٫۲ میلیون ناتوان اعم از مجاهدین، نیروهای دولتی و غیر نظامیان و در کل ۳ میلیون مجروح و معلول با اکثریت غیر نظامی.^[124]

کیلان می‌افزاید، سیستم آبیاری کشاورزی به واسطه بمباران و شلیک توپ‌های شوروی و نیروهای دولتی نابود گردید. در ۱۹۸۵ (۱۳۶۳-۶۴)، بدترین سال جنگ، بیش از نیمی از کشاورزان باقی‌مانده در کشور زمین‌های آسیب دیده از بمباران داشته و بیش از یک چهارم از آنان با نابودی سیستم آبیاری مواجه شده و احشامشان هدف اصابت گلوله و ترکش‌های گروه‌های فوق قرار گرفته بود.^[125] آسیب برنامه ریزی شده‌ای که به ۲ درصد پهنه جنگلی افغانستان به ویژه از ریشه خارج کردن درختان پسته وحشی برای صدور و استفاده از ریشه آنها برای مسائل درمانی و کشت تریاک، باعث خسارات وسیع بوم‌شناسانه و تخریب زمینی و محیطی شد.

جمعیت دومین شهر بزرگ افغانستان، قندهار از ۲۰۰٫۰۰۰ نفر جمعیت پیش از آغاز جنگ به حدود ۲۵٫۰۰۰ نفر طی مدت کوتاهی به دلیل رشته

۱۹ مهاجران

همچنین بخوانید: مهاجران افغان در ایران

حدود ۳٫۳ میلیون نفر مهاجر افغان در سال ۱۹۸۸ در پاکستان حضور داشتند که از این تعداد ۱۰۰٫۰۰۰ نفر در شهر پشاور و هم‌زمان ۲ میلیون نفر دیگر در دیگر قسمت‌های مناطق خیبر پختون‌خواه^[114] و سایر موارد نیز عموماً در ایالت بلوچستان ساکن بودند. در همان زمان نزدیک به ۲ میلیون نفر نیز در ایران بودند. چندین هزار تن اکثراً هندو و سیک‌های افغان در هند ساکن شده بودند که پیش از زمان مقرر شده تبعه هند شدند.^{[115][116][117][118]} تعدادی نیز به آمریکای شمالی، اروپا، استرالیا و دیگر قسمت‌های دنیا رفته بودند.

تصویر شربت گله، دختر مهاجر افغان در اردوگاهی در پاکستان که بر روی مجله نشنال جئوگرافیک در سال ۱۹۸۵ قرار گرفت به عنوان سمبل وضعیت مهاجران در سرتاسر جهان شد.

۲۰ نتایج جنگ

۲۱ جنگ داخلی

درگیری‌های داخلی در افغانستان پس از خروج نیروهای شوروی ادامه پیدا کرد. شوروی با آگاهی از ترسی که بین مقامات کابل بدین دلیل بروز کرده بود در زمستان سال ۱۹۸۹ خاک این کشور را ترک کرد. حملات مجاهدین به طور ثابت به شهرها و روستاها و در نهایت کابل وجود داشت.

رژیم نجیب‌الله با وجودی که در به دست آوردن پشتیبانی داخلی و به رسمیت شناختن بین‌المللی شکست خورده بود تا سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) مقاومت کرد اما به تدریج با تضعیف ارتش به ویژه دلیل فرار سربازان و افسران وارد مرحله جدید می‌شد که پیش از آن در دوران حضور شوروی سابقه نداشت و کابل با یک بن‌بست در ناکار آمدی سیاست و نظامی به رهبری نجیب‌الله می‌رسید، همچنین در طی این سه سال پس از عقب‌نشینی، چند دستگی و اختلاف در داخل دولت و پیوستگی با مخالفان خود مزید بر علت شده و رو به افزایش بود.

طبق نظر آندره کارلف ناشر روس، مشکل اصلی در شکست نجیب‌الله، خوداری حکومت جدید روسیه از نرساندن محصولات نفتی در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) به دلایل سیاسی (عدم تمایل دولت یلتسین به پشتیبانی از کمونیست‌های سابق الحمايه)، موثرترین مانع در سقوط دولت وقت کابل بود. از سوی دیگر اعلام وفاداری ژنرال عبد الرشید دوستم و نیروی ازبک تحت فرمانش در اسفند ۱۳۷۰ (مارس ۱۹۹۲) به نفع مجاهدین، سقوط نجیب‌الله را شدت بخشید و ضربه نهایی را وارد ساخت و سرانجام در فروردین ۷۱ همان سال، نجیب‌الله و دولت کمونیست شکست خورده و حاکمیت به گروه‌های مجاهدین واگذار شد.

محصولات اصلی کشاورزی به یک میانگین ۳٫۵ درصدی در سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۹ (۱۹۷۸ و ۱۹۹۰) تنزل کرده بود که تماماً ناشی از تحمل درگیری‌ها، بی‌ثباتی در نواحی روستایی، خشکسالی‌های طولانی و رو به زوال رفتن زیر بناها بود، از سوی دیگر تلاش شوروی در متوقف کردن تولیدات کشاورزی در نواحی تحت سلطه شورشیان، در این افول سهیم بود. در طول عقب‌نشینی نیروهای شوروی، میادین گاز طبیعی افغانستان عاملی در ممانعت از خرابکاری بودند، با این حال استقرار مجدد تولید و صادرات گاز به دلیل وجود منازعات داخلی و قطع داد و ستد این محصول به جهت فروپاشی شوروی، از سر گرفته نشد.

۲۴ توان پرسنل و تلفات شوروی

از تاریخ ورود ارتش سرخ در دی ۱۳۵۸ تا خروجش در بهمن ۱۳۶۷، چیزی حدود ۶۲۰,۰۰۰ نفر عمدتاً سرباز وظیفه در افغانستان خدمت کردند [نیز به ذکر منبع] با این حال در زمان واحد تنها ۸۰,۰۰۰ تا ۱۰۴,۰۰۰ سرباز در آنجا حضور داشت. نیروها به تعداد: ۵۲۵,۰۰۰ نفر از ارتش، ۹۰,۰۰۰ نفر از دسته‌های مرزی و زیر مجموعه‌های وابسته به کاگ ب و ۵,۰۰۰ نفر از نیروهای وزارت کشور شوروی و نیروهای پلیس بودند.

در مجموع تلفات پرسنل نیروهای مسلح، مرزی و امنیت داخلی شوروی به ۱۴,۴۵۳ تن رسید، به ترتیب ارتش و یگان‌های وابسته ۱۳,۸۳۳ نفر، کا گ ب و یگان‌های وابسته ۵۷۲ نفر، وزارت کشور ۲۸ نفر و دیگر وزارت و دوایر دولتی ۲۰ نفر. در طی این دوره ۴۱۷ تعمیرکار مشغول در جنگ مفقود شدند، کشته یا اسیر شدند. ۱۱۹ تن بعدها آزاد شدند که ۹۷ نفر به شوروی باز گشته و ۲۲ نفر به سایر کشورها رفتند. سایرین در جریان اسارت به قتل رسیده بودند.

از دسته‌های مستقر، ۵۳,۷۵۳ نفر یعنی ۱۱,۴۴ درصد دچار مجروحیت و ۴۱۵,۹۳۲ تن به عبارت ۸۸,۵۶ درصد مبتلا به بیماری شدند. درصد بالایی از مجروحیت‌ها منجر به نقص عضو بود. به دلیل شرایط آب و هوایی و وضعیت بهداشتی ضعیف، عفونت‌های حاد و سرایت بیماری به شدت شایع شده بود. ۱۵۵,۳۰۸ مورد مبتلا به هیپاتیت مسری، ۳۱,۰۸۰ نفر مبتلا به تب تیفوئید و ۱۴۰,۶۶۵ تن مبتلا به سایر امراض شده بودند. از ۱۱۶,۵۴ نفری که به دلیل مجروحیت، نقص عضو و بیماری از ادامه خدمت معاف شدند، ۱۰,۷۵۱ نفر برابر ۹۲ درصد دچار ناتوانی جسمی شده بودند. [138] تلفات مادی به از قرار: [139] ۴۵۱ هواپیما شامل ۳۳۳ فروند هلیکوپتر ۱۴۵ دستگاه تانک ۱,۳۱۴ دستگاه نفربر و خودرو جنگنده زرهی ۴۳۳ قبضه توپخانه و خمپاره‌انداز ۱۱,۳۶۹ تانکر حمل بار و سوخت.

۲۵ ادعاهای پس از فروپاشی شوروی

از جمله عواملی که برای فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی عنوان می‌شود، جنگ طولانی مدت و در عمل گرفتاری ۹ ساله در افغانستان است. جنگ افغانستان صرف نظر از موضع گیری‌های منفی بین‌المللی سبب تحمیل هزینه‌های هنگفت به ویژه در مسائل نظامی گردید که باعث ضعف بیش از پیش اقتصاد شوروی، گسترش نظرات منفی در داخل شوروی به دلیل ادامه جنگ و تلفات جانی، اعمال تحریم‌های بین‌المللی و دیگر موارد شد و فروپاشی آن کشور را تسریع بخشید.

۲۶ موضع فدراسیون روسیه درباره جنگ

در ۲۵ دسامبر ۲۰۰۹ (۴ دی ۱۳۸۸)، در سی امین سالگرد ورود ارتش سرخ به افغانستان، دومای روسیه (پارلمان فدراسیون روسیه) از کهنه سربازان شرکت کننده در جنگ تجلیل کرد. همچنین جناح اقلیت دوما از جنگ در افغانستان در سالگردش دفاع و به تمجید سربازان درگیر در نبرد پرداخت. در این میان در بین نظرات مختلفی که در مورد جنگ ابراز شد، عنوان گردید که: "نمی‌باید احترام مردم روسیه به سربازانی که با صداقت در انجام وظیفه به نبرد بر ضد تروریسم بین‌المللی و افراط گرایی دینی پرداختند، فرسوده گردد." عضو دوما، سیمون باگداساروف می‌گوید که روسیه خواسته نیروهای ائتلاف ایساف به رهبری آمریکا در جنگ بر ضد طالبان در سال ۲۰۰۱ (۱۳۸۰) مبنی بر کمک به آنان را رد کرده‌است، همچنین عنوان می‌دارد که برقراری ارتباطی با "نیروهای ضد غربی" (طالبان) در مورد به دست‌گیری مجدد قدرت وجود داشته‌است. [140][141]

عملیات بمباران گسترده و تخریب توسط شوروی و سربازان دولتی در سال ۱۹۸۷ (۱۳۶۶)، رسید. [126] مین، عامل مرگ ۲۵,۰۰۰ تن در بود. در طول جنگ ۱۰-۱۵ میلیون مین در سراسر کشور عموماً بدست شوروی و نیروهای دولتی، پراکنده شد. [127] کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در سال ۱۹۹۴ نهمین زد که ۴,۳۰۰ سال برای پاکسازی مین‌های به جا مانده از جنگ زمان لازم است. [128]

قسمت اعظمی از خسارات مین متوجه کودکان شد. [129] بر اساس گزارشی در سال ۲۰۰۵، تخمین زده می‌شود که ۳-۴ درصد جمعیت افغانستان به دلیل تبعات مین‌های به جای مانده از جنگ دچار معلولیت شده‌اند. در شهر کوپته پاکستان، مرکز ایالت بلوچستان در نزدیکی مرز افغانستان، بررسی که از زنان و کودکان مهاجر که پس از عقب‌نشینی شوروی به عمل آمد نشان داد که نام ۸۰ درصد کودکان ثبت نشده و میزان مرگ و میر کودکان به میزان ۳۱ درصد است که از کودکان زنده نیز، ۶۷ درصد دچار سو تغذیه در کل عمر خود بودند. [130]

تحلیلگران در تحلیل تاثیر عملکرد شوروی و نیروهای دولتی افغان در فرهنگ افغانستان به تشریح سه موضوع می‌پردازند: ابتدا، مرکزیت اصلی فرهنگ افغانها یعنی اسلام، از یک سو. دوم، اهمیت یافتن الگوی زندگی شوروی به ویژه در میان جوان و سوم، سهم شاخصه‌های اصلی و مهم فرهنگ افغانستان از جمله زبان، آداب، موضوعات فرهنگی و غیره با تاکید بر قومیت که حاصل پراکندگی در کشور به جهت تنوع گروه‌های قومی با زبان و فرهنگی غیر واحد در عموم مردم، نابود شده بود. [131]

توافقات ژنو ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) که منتهی به خروج شوروی از افغانستان در اوایل سال ۱۳۶۷ (۱۹۸۹) شد، دولت افغانستان را در شرایط دشواری تنها گذاشت. فرض در میان سیاستمداران غربی سقوط قریب‌الوقوع دولت تحت‌الحمایه شوروی در کابل بود. با این وجود دولت برای سه سال پس از خروج کامل، تا سال ۱۳۷۱ در سر کار بود. در طول این دوره دولت موقت اسلامی افغانستان در تبعید، در پاکستان تاسیس شده بود. حذف گروه‌های عمده مبارز از قبیل مهاجران و شیعه‌ها در اثر اختلافات درونی میان گروه‌های مجاهد بدین معنی بود که دولت موقت اسلامی در تحقق وظیفه یک دولت در فراگیری اکثریت گروه ناکام بود. [132]

پیش از جنگ، افغانستان یکی از کشورهای فقیر دنیا بود. امتداد و استمرار منازعات منجر حضور در جمع کشورهای با کمترین توسعه در دنیا و قرار گیری این کشور در رده ۱۷۰ از ۱۷۴ کشور حاضر در برنامه عمران ملل متحد شد. [133]

با عقب‌نشینی شوروی، فعالیت‌های آمریکا در زمینه افغانستان تا حد زیادی در بسیاری موارد متوقف شد. ایالات متحده تصمیمی به همکاری در بازسازی کشور نداشت و به عوض آن افغانها هم عملاً منافع و مصلحت کشورشان در اختیار متحدان آمریکا اصلی آمریکا در موضوع افغانستان، پاکستان و عربستان سعودی قرار گرفت که پاکستان به سرعت به برقراری ارتباط قوی تر و تقویت جنگسالاران به ویژه بعدها طالبان پرداخت. [134]

ستوان ترلان عیوضف از نظامیان حاضر در جنگ اظهار داشته که: آینده کودکان افغان با جنگ گره خورده‌است. وی می‌افزاید: کودکان متولد در آغاز جنگ که رشدشان در وضعیت جنگ شکل گرفته، جنگ مسیر زندگیشان است. نظریه عیوضف بعدها با قدرت گیری طالبان که از جمع کودکان یتیم یا مهاجر سابق که به دلیل بروز جنگ ناچار به گریز از دیار خود شده بودند و در پاکستان مستقر گردیده بودند، تایید شد. طالبان جوان به سرعت برخاسته و در سال ۱۳۷۵ (۱۹۹۶) قدرت را که در افغانستان به دلیل جنگ داخلی و وحشیگری و قدرت طلبی برخی جنگ سالاران به شدت آشفته گردیده و پس از عقب‌نشینی شوروی و به ویژه بعد از تشکیل دولت مجاهدین به همان دلایل دچار بی قانونی و ضابطگی شده بود را، به دست گرفتند. [135]

کتاب حقیقت دنیا چاپ سیا، گزار می‌دهد که در سال ۲۰۰۴ (۱۵ سال پس از خروج نیروهای شوروی) هنوز ۸ میلیارد دلار بدهی، اکثراً به روسیه بدهکار است. [136] با این حال دولت روسیه در سال ۲۰۰۷ بسیاری از بدهی‌های مذکور را بخشید. [137]

۲۷ موضع ایران درباره جنگ

۲۸ کتاب‌شناسی

کتاب تهاجم و شکست شوروی در افغانستان اثر استاد سعادت‌ملوک تابش هروی.

۲۹ پانویس

- Borer, Douglas A. (1999). *Superpowers defeated: Vietnam and Afghanistan compared*. London: Cass. p. 216. ISBN 0714648515. [1]
- The Rise and Fall of the Taliban, by Neamatollah Nojumi, published in "The Taliban and the Crisis of Afghanistan", ed by Robert D Crews and Amin Tarzi, pub by Harvard University Press, 2008. [2]
- Nyrop, Richard F. ; Donald M. Seekins (January 1986). *Afghanistan: A Country Study*. Washington, DC: United States Government Printing Office. pp. XVIII-XXV. <http://www.gl.iit.edu/govdocs/afghanistan/Afghanistan-Chapter1.pdf>. [3]
- Mark N. Katz (March 9, 2011). "Middle East Policy Council | Lessons of the Soviet Withdrawal from Afghanistan". Mepc.org. <http://www.mepc.org/articles-commentary/commentary/lessons-soviet-withdrawal-afghanistan>. Retrieved July 28, 2011. [4]
- Maxime Rischard. "Al Qa'ida's American Connection". Global-Politics.co.uk. <http://www.global-politics.co.uk/issue6/Stahl/>. Retrieved July 28, 2011. [5]
- "Soviet or the USA the strongest" (in (Norwegian)). Translate.google.no. http://translate.google.no/translate?js=n&prev=_t&hl=no&ie=UTF-8&layout=2&eotf=1&sl=no&tl=en&u=http://vgd.no/samfunn/historie/tema/1582171/tittel/afghanistan-sovjet-eller-usa-sterkeste/innlegg/28408954/&act=url. Retrieved July 28, 2011. [6]
- "Afghanistan hits Soviet milestone - Army News". Armytimes.com. <http://www.armytimes.com/news/2010/11/ap-afghanistan-milestone-112610/>. Retrieved February 15, 2012. [7]
- http://www.vfw.org/resources/levelxmagazine/0203_Soviet-Afghan%20War.pdf [8]
- http://www.vfw.org/resources/levelxmagazine/0203_Soviet-Afghan%20War.pdf [9]
- http://www.vfw.org/resources/levelxmagazine/0203_Soviet-Afghan%20War.pdf [10]
- http://www.vfw.org/resources/levelxmagazine/0203_Soviet-Afghan%20War.pdf [11]
- DK289.A39 1992 Glazami marshala i diplomata: kriticheskiĭ vzgliad na vneshniĭ politiku SSSR do i posle 1985 goda / S.F. Akhromeev, G.M. Kornienko, p. 25 [12]
- Russia's War in Afghanistan – David C. Isby, David Isby – Google Libros. Books.google.es. <http://books.google.es/books?id=k86jifnA3oYC&pg=PA5&dq=osprey+russia+> [13]
- حکومت پهلوی که دارای روابط نزدیک با افغانستان بود در ابتدا با اکراه نسبت به شناسایی دولت دموکراتیک اقدام نمود.^[142]
- پس از انقلاب اسلامی در ایران حکومت جدید از بدو امر با حکومت افغانستان مخالفت کرده و تا سقوط نجیب الله در سال ۱۳۷۱ (۱۹۹۲) هیچ‌یک از دولت‌های مذکور را به رسمیت نشناخت.^[143]
- بنا به گفته یوینی استروونکو مترجم سفارت شوروی در تهران در زمان اشغال افغانستان، سفیر شوروی ضمن دیدار با آیت الله خمینی در قم که جهت اطلاع ایران از ورود شوروی به افغانستان و ذکر دلایل توجیهی بود، وی ضمن مخالفت صریح با این اقدام شوروی نسبت به عواقب حتمی این موضوع هشدار داده بود.^[144]
- وی در مورد این دیدار گفته بود:
- آن روزی که سفیر شوروی آمد پیش من، گفت که دولت افغانستان خواسته‌است که شوروی، نظامی به آنجا بفرستد، به او گفتم که این اشتباهی است که شوروی می‌کند، البته دولت شوروی می‌تواند افغانستان را قبضه کند، ولی نمی‌تواند در آنجا مستقر شود، اگر شما خیال کرده‌اید بتوانید افغانستان را بگیرید و آن را آرام کنید، این خیال باطل است. ملت افغانستان مسلم است، ایستاده‌اند در مقابل حکومت افغانستان، شما هم اگر بروید و هر قدرت دیگر هم برود، آنجا را می‌گیرد اما نمی‌تواند آن‌ها را آرام کند و بالاخره شکست می‌خورد.^[145]
- ایران اولین کشوری بود که تهاجم به افغانستان را محکوم نمود.^[146] پس از آغاز درگیری‌های داخلی و ورود ارتش شوروی، ایران که خود مشغول به درگیری‌های داخلی و مرزی با گروه‌های مخالف و جنگ با عراق بود، به پشتیبانی مجاهدین پرداخته و حتی در داخل خاک افغانستان به تاسیس مقرهای آموزشی با کمک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی توسط علی تجلایی^[147] کرده بود، که این پشتیبانی‌ها منجر به تاثیر شدید بر روابط ایران و شوروی شده بود.
- بنا به گفته علی اکبر ولایتی، وزیر امور خارجه وقت ایران در یک برنامه تلویزیونی در ایران، روابط نظامی و فروش تسلیحات مورد نیاز جنگ که به دلیل بروز اختلافات و جاسوسی در نیروهای مسلح ایران از طرف شوروی، متوقف شده بود، با پیشنهاد قطع پشتیبانی از گروه‌های مجاهدین از سر گرفته می‌شد که مورد پذیرش ایران قرار نگرفت.(نیاز به ذکر منبع مکتوب)
- در آن زمان نزدیک به بیش از دو میلیون آواره افغان در ایران سکونت داشته و هشت حزب جهادی از شیعیان افغان در ایران تشکیل شده بود. ایران در تمام سالهای اشغال افغانستان توسط شوروی به پشتیبانی سیاسی - نظامی از مجاهدین ادامه داد. در تلاشهای سیاسی برای ایجاد اتحاد میان گروههای جهادی کوچک و احزاب افغانی، در سال ۱۳۵۸ به دعوت ایران «جبهه متحد انقلاب اسلامی افغانستان» متشکل از هشت گروه به شرح ذیل: «سازمان نصر»، «حرکت اسلامی»، «نیروی اسلامی»، «نهضت اسلامی»، «اتحادیه علما» و «نهضت روحانیت و جوان» تاسیس گردید. گرچه این ائتلاف بدلیل اختلاف میان گروههای افغان دوام چندانی نداشت اما در سالهای بعد در بهار ۱۳۶۶ «شورای ائتلاف هشتگانه» تاسیس شد که دوام بیشتری داشت. در نهایت پس از برگزاری چند کنفرانس مختلف در بامیان و مذاکره با دولت ایران «حزب وحدت اسلامی افغانستان» در سال ۱۳۶۸ توانست تقریباً تمامی احزاب هزاره را به خود جذب کند.^[148]
- در المپیک ۱۹۸۰ مسکو که در اعتراض به اشغال افغانستان از طرف بیش از ۶۰ کشور تحریم شده بود، ایران نیز جز تحریم کنندگان بود. همچنین ایران اولین کشوری بود که دولت اسلامی افغانستان را به رسمیت شناخت.^[149]

- Kabul's prison of death BBC, February 27, 2006 [29]
- Kaplan, Robert D. (2001), *Soldiers of God: With Islamic Warriors in Afghanistan and Pakistan*, New York, Vintage Departures, ISBN 1-4000-3025-0, p.115 [30]
- Kaplan, Robert D. (2001), *Soldiers of God: With Islamic Warriors in Afghanistan and Pakistan*, New York, Vintage Departures, ISBN 1-4000-3025-0, p.115 [31]
- "U.S. Library of Congress - "The April 1912 Coup d'etat and the Democratic Republic of Afghanistan"". <http://countrystudies.us/afghanistan/89.htm>. Retrieved July 28, 2011. [32]
- Tanner, Stephen. *Afghanistan: A Military History from Alexander the Great*. http://books.google.com/books?id=J3pUS_-uD-oC&pg=PA232&dq=herat+soviet+revolt+1979+thousand&lr=&cd=4#v=onepage&q=herat%20soviet%20revolt%201979%20thousand&f=false. [33]
- Amstutz, J. Bruce. *Afghanistan: The First Five Years of Soviet Occupation*. <http://books.google.com/books?id=RUSNyMH1aFQC&pg=PA130&dq=herat+soviet+revolt+1979+3000&lr=&cd=2#v=onepage&q=herat%20soviet%20revolt%201979%203000&f=false>. [34]
- Goodson, Larry P. (2001), *Afghanistan's Endless War: State Failure, Regional Politics, and the Rise of the Taliban*, University of Washington Press, ISBN 978-0295980508, p. 56-57 [35]
- افغانستان/وزارت امور خارجه ۱۳۷۲ [36]
- The CIA's Intervention in Afghanistan". <http://www.globalresearch.ca/articles/BRZ110A.html>. Retrieved July 28, 2011. [37]
- Diamond, John M. (2008). *The CIA and the Culture of Failure: U.S. Intelligence from the End of the Cold War to the Invasion of Iraq*. Stanford University Press. p. 65. ISBN 978-0804756013. [38]
- Rubin, Barnett R. *The Fragmentation of Afghanistan*. New Haven: Yale University Press, 1995. p. 20. [39]
- Harrison, Selig; Cordovez, Diego (1995). *Out of Afghanistan: The Inside Story of the Soviet withdrawal*. New York: Oxford University Press. pp. 34-35. ISBN 0195062949. [40]
- Valenta, Jiri (1980). *From Prague to Kabul: The Soviet Style of Invasion*. [41]
- Goldman, Minton (1984). *Soviet Military Intervention in Afghanistan: Roots & Causes*. [42]
- From the Shadows, Pg. 146. Google Books. http://books.google.com/books?id=N_hfPrIMYuEC&printsec=frontcover&dq=from+the+shadows+robert+gates&source=bl&ots=oN0umDr35R&sig=XSAOQ8XhK-OwqaDgszMeHSQj-k&hl=en&ei=yvUYTeigN46WsgPDg_2hAg&sa=X&oi=book_result&ct=result&resnum=2&sqi=2&ved=0CCAQ6AEwAQ#v=onepage&q=afghanistan&f=false. Retrieved July 28, 2011. [43]
- afghanistan&hl=es&ei=Ur2KTPWAFJCbOPqxrYgL&sa=X&oi=book_result&ct=book-thumb&resnum=6&ved=0CE4Q6wEwBQ#v=onepage&q&f=false. Retrieved February 15, 2012. [14]
- Antonio Giustozzi (2000). *War, politics and society in Afghanistan, 1978-1992*. Hurst. ISBN 1-85065-396-8. http://books.google.es/books?id=Hz5NzJtg48kC&pg=PA115&dq=soviet+afghan+war+safronov&hl=es&ei=83SJTMybMZ6TOPGQ6MAO&sa=X&oi=book_result&ct=result&resnum=5&ved=0CDkQ6AEwBA#v=onepage&q=soviet%20afghan%20war%20safronov&f=false. "A tentative estimate for total mujahideen losses in 1980-02 may be in the 150-180,000 range, with maybe half of them killed." [14]
- "Death Tolls for the Major Wars and Atrocities of the Twentieth Century". [Users.erols.com. http://users.erols.com/mwhite28/warstat2.htm#Afghanistan](http://users.erols.com/mwhite28/warstat2.htm#Afghanistan). Retrieved July 28, 2011. [15]
- Hilali, A. (2005). *US-Pakistan relationship: Soviet Intervention in Afghanistan*. Burlington, VT: Ashgate Publishing Co. (p.198) [16]
- Emadi, Hafizullah, *Culture and customs of Afghanistan*, (Greenwood Press, 2005), 45. [17]
- "Timeline: Soviet war in Afghanistan". BBC News. Published February 17, 2009. Retrieved March 22, 2009. [18]
- Yousaf, Mohammad & Adkin, Mark (1992). *Afghanistan, the bear trap: the defeat of a superpower*. Casemate. p. 159. ISBN 0971170924. [19]
- Richard Cohen (April 22, 1988). "The Soviets' Vietnam". *Washington Post*. <http://www.highbeam.com/doc/1P2-1252421.html>. Retrieved December 22, 2011. [20]
- "Afghanistan was Soviets' Vietnam". *Boca Raton News*. April 24, 1988. <http://news.google.com/newspapers?nid=1291&dat=19880424&id=DIBUAAAIBAJ&sjid=nI0DAAAIBAJ&pg=4618,8684307>. Retrieved December 22, 2011. [21]
- افغانستان در قرن بیستم/ظاهر طنین [22]
- افغانستان در قرن بیستم/ظاهر طنین [23]
- افغانستان در قرن بیستم/ظاهر طنین [24]
- Amin, Abdul Hameed (2001). "Remembering our Warriors: Major-General Baber and Bhutto's Operation Cyclone". *Pakistan Military Consortium and Directorate for the Military History Research (DMHR). Pakistan Defence Journal*. <http://www.defencejournal.com/2001/apr/babar.htm>. Retrieved 2011. [25]
- افغانستان در قرن بیستم/ظاهر طنین [26]
- Bennett Andrew (1999); *A bitter harvest: Soviet intervention in Afghanistan and its effects on Afghan political movements* (Retrieved February 4, 2007) [27]
- The April 1978 Coup d'etat and the Democratic Republic of Afghanistan - Library of congress country studies (Retrieved February 4, 2007) [28]

- [62] شوروی ها قصد گسترش قلمرو نداشتند؛ گفتگویی با سلطانعلی کشتمند، بی‌بی‌سی فارسی
- [63] "Moslems Condemn Soviet Invasion of Afghanistan", Pittsburgh Post-Gazette, January 29, 1980
- [64] Roy, Olivier (1990). Islam and resistance in Afghanistan. Cambridge University Press. p. 118.
- [65] Russian General Staff, Grau & Gress, The Soviet-Afghan War, p. 18
- [66] Grau, Lester (March 2004). "The Soviet-Afghan war: a superpower mired in the mountains". Foreign Military Studies Office Publications. <http://leav-www.army.mil/fmso/documents/miredinmount.htm>. Retrieved September 15, 2007.
- [67] Amstutz, J. Bruce (1986). Afghanistan: The First Five Years of Soviet Occupation. Washington D.C. : NDU Press, p. 127.
- [68] Gregory Feifer The Great Gamble, pp.169–170
- [69] Russian General Staff, Grau & Gress, The Soviet-Afghan War, p. 26
- [70] Yousaf, Mohammad & Adkin, Mark (1992). Afghanistan, the bear trap: the defeat of a superpower. Casemate. p. 159. ISBN 0971170924.
- [71] Roy. Islam and resistance in Afghanistan. p. 191.
- [72] Klass, Rosanne (1987). Afghanistan: The Great Game Revisited. Freedom House. p. 244.
- [73] Amstutz, J. Bruce (1986). Afghanistan: The First Five Years of Soviet Occupation. National Defense University Press. p. 43.
- [74] Amstutz, J. Bruce (1986). Afghanistan: The First Five Years of Soviet Occupation. National Defense University Press. pp. 144–149.
- [75] Urban, Mark (1990). War In Afghanistan. St. Martin's Press. p. 149.
- [76] Girardet, Edward (1985). Afghanistan: The Soviet War. St. Martin's Press. p. 129.
- [77] Girardet, Edward (1985). Afghanistan: The Soviet War. St. Martin's Press. p. 129.
- [78] Crile, George (2003). Charlie Wilson's War: The Extraordinary Story of the Largest Covert Operation in History. Atlantic Monthly Press. ISBN 0871138549.
- [79] "How the CIA created Osama bin Laden". Green Left Weekly. September 19, 2001. <http://www.greenleft.org.au/2001/465/25199>. Retrieved January 9, 2007.
- [80] "1986–1992: CIA and British Recruit and Train Militants Worldwide to Help Fight Afghan War". History Commons. <http://www.historycommons.org/context.jsp?item=a86operationcyclone>. Retrieved January 9, 2007.
- [81] Sageman, Marc Understanding Terror Networks, chapter 2, University of Pennsylvania Press, May 1, 2004
- [44] CRG – The CIA's Intervention in Afghanistan". Globalresearch.ca. <http://www.globalresearch.ca/articles/BRZ110A.html>. Retrieved July 28, 2011.
- [45] Actualité, Spécial islamisme[dead link]
- [46] "No Regrets: Carter, Brzezinski and the Muj". Counterpunch.org. <http://www.counterpunch.org/brzezinski.html>. Retrieved July 28, 2011.
- [47] "Brzezinski and the Afghan War Pt2". YouTube. January 15, 2010. <http://www.youtube.com/watch?v=RGjAsQJh7OM&feature=channel>. Retrieved July 28, 2011.
- [48] http://www.activistmagazine.com/images/stories/government/carter_79-1581.jpg
- [49] http://www.activistmagazine.com/images/stories/government/carter_79-1579.jpg
- [50] Bergen, Peter, Holy War Inc. , Free Press, (2001), p.68
- [51] Walker, Martin (1994). The Cold War – A History. Toronto, Canada: Stoddart.
- [52] Coll, Steven. Ghost Wars: The Secret History of the CIA, Afghanistan, and Bin Laden, from the Soviet intervention to September 10, 2001. New York: Penguin Books, 2004. p. 48.
- [53] (Russian) [unreadable]
- [54] Garthoff, Raymond L. (1994). Détente and Confrontation. Washington D.C. : The Brookings Institute. pp. 1017–1018.
- [55] Arnold, Anthony (1983). Afghanistan's Two-Party Communism: Parcham and Khalq. Stanford: Hoover Institution Press. p. 96.
- [56] Garthoff, Raymond L. (1994). Détente and Confrontation. Washington D.C. : The Brookings Institute. pp. 1017–1018.
- [57] The Soviet Invasion of Afghanistan in 1979: Failure of Intelligence or of the Policy Process? – Page 7
- [58] Ye. I. Malashenko, Movement to contact and commitment to combat of reserve fronts, Military Thought (military-theoretical journal of the Russian Ministry of Defence), April–June 2004
- [59] Fisk, Robert (2005). The Great War for Civilisation: the Conquest of the Middle East. London: Alfred Knopf. pp. 40–41. ISBN 1-84115-007-X.
- [60] "U.N. General Assembly Votes to Protest Soviet Invasion of Afghanistan", Toledo Blade, January 15, 1980, <http://news.google.co.nz/newspapers?id=MQwVAAAAIABJ&sjid=jQIEAAAAIABJ&pg=6049,7393411&dq=soviet+invasion+of+afghanistan&hl=en>
- [61] Moslems Condemn Soviet Invasion of Afghanistan", Pittsburgh Post-Gazette, January 29, 1980, <http://news.google.co.nz/newspapers?id=0esNAAAAIABJ&sjid=rG0DAAAAIABJ&pg=6692,3799612&dq=soviet+invasion+of+afghanistan&hl=en>

- Kepel, Jihad, (2002), p.143-4 [99] "Did the U.S. "Create" Osama bin Laden?(2005- [82] 01-14)". US Department of State. Archived from the original on December 1, 2008. <http://web.archive.org/web/20081201020923/http://usinfo.state.gov/media/Archive/2005/Jan/24-318760.html>. Retrieved March 28, 2007.
- Kaplan, Soldiers of God, p.12 [100]
- Amnesty International file on Afghanistan URL Accessed [101] March 22, 2006
- Weisman, Steven R. (May 2, 1987). "Afghans [102] Down A Pakistani F-16, Saying Fighter Jet Crossed Border". The New York Times. <http://www.nytimes.com/1987/05/02/world/afghans-down-a-pakistani-f-16-saying-fighter-jet-crossed-border.html>. Retrieved March 27, 2010.
- Marshall, Andrew (November 1, 1998). "Terror [83] 'blowback' burns CIA (1998-11-01)". The Independent (London). <http://www.independent.co.uk/news/terror-blowback-burns-cia-1182087.html>. Retrieved July 1, 2010.
- "Pakistan Military Consortium". PakDef.info. [103] <http://www.pakdef.info/pakmilitary/airforce/war/indexafghanwar.html>. Retrieved July 28, 2011.
- The Path to Victory and Chaos: 1979-92 – Library of [84] Congress country studies (Retrieved Thursday 31, 2007)
- Urban, War in Afghanistan, p. 219 [104]
- The Path to Victory and Chaos: 1979-92 – Library of [85] Congress country studies (Retrieved Thursday 31, 2007)
- Grau, Lester & Jalali, Ali Ahmad. "The campaign for [105] the caves: the battles for Zhawar in the Soviet-Afghan War". GlobalSecurity.org. <http://www.globalsecurity.org/military/library/report/2001/010900-zhawar.htm>. Retrieved March 29, 2007.
- The siege was ended only in November 1987 through [86] the conduct of Operation Magistal'
- The Path to Victory and Chaos: 1979-92 – Library of [87] Congress country studies (Retrieved Thursday 31, 2007)
- Maley, William and Saikal, Amin (1989). The Soviet [106] Withdrawal from Afghanistan. Cambridge University Press. p. 127.
- Weiner, Tim (1990). Blank Check: The Pentagon's [88] Black Budget. New York: Warner Books. p. 149.
- Urban, Mark (1990). War in Afghanistan. St. Martin's [107] Press. p. 300.
- Cold War, episode 20 Soldiers of God. Documentary by [89] Pat Mitchell and Jeremy Isaacs.
- Maley, William and Saikal, Amin (1989). The Soviet [108] Withdrawal from Afghanistan. Cambridge University Press. p. 132.
- Vincent Javert, 'Interview with Brzezinski', (La Nouvelle [90] Observateur, Paris, January 15-21, 1998), p. 76.
- Isby, War in a distant country, p.47 [109]
- "Brzezinski and the Afghan War Pt2". YouTube. [91] <http://www.youtube.com/watch?v=RGjAsQJh7OM&feature=channel>. Retrieved July 10, 2010.
- Urban, War in Afghanistan, p. 251 [110]
- "Eduardo Real: "Zbigniew Brzezinski, Defeated [92] by his Success"". Dangeroustravel.blogspot.com. <http://dangeroustravel.blogspot.com/2008/01/defeated-by-his-success.html>. Retrieved July 28, 2011.
- [http://fmso.leavenworth.army.mil/documents/ \[111\] Withdrawal.pdf](http://fmso.leavenworth.army.mil/documents/Withdrawal.pdf) Breaking contact without leaving chaos: the Soviet withdrawal from Afghanistan, page 19
- Crile, George (2003). Charlie Wilson's War: The [93] Extraordinary Story of the Largest Covert Operation in History. Atlantic Monthly Press. ISBN 0-87113-854-9.
- "Breaking contact without leaving chaos: the Soviet [112] withdrawal from Afghanistan" (PDF). <http://fmso.leavenworth.army.mil/documents/Withdrawal.pdf>. Retrieved July 28, 2011.
- Heymann, Philip (2008). Living the Policy Process. [94] Oxford University Press. ISBN 0195335392.
- [http://fmso.leavenworth.army.mil/documents/ \[113\] Withdrawal.pdf](http://fmso.leavenworth.army.mil/documents/Withdrawal.pdf) Breaking contact without leaving chaos: the Soviet withdrawal from Afghanistan, page 19
- Kuperman, Alan (1999). "The Stinger Missile and U.S. [95] Intervention in Afghanistan". Political Science Quarterly 114 (2): 219-263. doi:10.2307/2657738.
- Pakistan Restricts Afghan Refugees by Donatella Lorch [114] for the New York Times. November 16, 1988.
- United Nations High Commissioner for Refugees [115] (February 20, 2008). "Afghan refugee teaches Hindi to tots in India". UNHCR. <http://www.unhcr.org/news/NEWS/47bc36204.html>. Retrieved February 15, 2012.
- Kepel, Gilles (2002). Jihad. Cambridge: Belknap. p. [96] 143. ISBN 0674010906.
- "Escape from War – The Times of India". The Times [116] Of India (India). <http://timesofindia.indiatimes.com/articleshow/487390023.cms>.
- "Hind Variants / Soviet Service". Vectorsite.net. http://www.vectorsite.net/avhind_1.html. Retrieved July 28, 2011.
- United Nations High Commissioner for Refugees. [117] "Afghan refugees in India become Indian, at last". UNHCR. <http://www.unhcr.org/news/NEWS/441190254.html>. Retrieved February 15, 2012.
- "Snipers Paradise Interviews A Soviet SPETsNAZ [98] Vet Of The War". Militaryphotos.net. <http://www.militaryphotos.net/forums/showthread.php?s=0b9f1a2b99f923b573f6bb6c4a988302>. Retrieved July 28, 2011.

- “USSR aid to Afghanistan worth \$8 billion”. [136] Cia.gov. <https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/af.html#Govt>. Retrieved February 15, 2012
- [5][dead link] [137] “Nicolae Andruta Ceausescu”. Moreorless.au.com. <http://www.moreorless.au.com/killers/ceausescu.html>. Retrieved July 28, 2011.
- Krivosheev, G. F. (1993). *Combat Losses and Casualties in the Twentieth Century*. London, England: Greenhill Books.
- http://www.vfw.org/resources/levelxmagazine/0203_Soviet-Afghan%20War.pdf [139]
- “Afghanistan: le Parlement russe rend hommage aux anciens combattants” [140]
- “Russian parliament hails Afghan war vets”. [141] Khaleejtimes.com. http://www.khaleejtimes.com/DisplayArticleNew.asp?col=§ion=international&xfile=data/international/2009/December/international_December1362.xml. Retrieved July 28, 2011.
- [142] ظهور و سقوط سلطنت پهلوی - ارتشید سابق حسین فردوست
- [143] افغانستان - وزارت امور خارجه - ۱۳۷۲
- [144] خبر آنلاین - خاطره سفیر روسیه از امام خمینی (ره) در مورد افغانستان
- [145] «امام خمینی «ره» و افغانستان». صدای افغان، ۵ جوزا ۱۳۸۸.
- [146] افغانستان - وزارت امور خارجه - ۱۳۷۲
- [147] «شهید علی تجلابی». وبگاه استانداری آذربایجان شرقی.
- [148] پرویز ورجاوند. «افغانستان؛ از حماسه تا فاجعه/ بحران دیپلماسی ایران و پیامدهای آن: نگاهی به چگونگی و نارسایی‌های سیاسی».
- [149] افغانستان - وزارت امور خارجه - ۱۳۷۲
- “A Thomson Reuters Foundation Service”. AlertNet. [118] <http://www.alertnet.org/thenews/newsdesk/IRIN/56e2b1010a330a11d2d7c10f8619804d.htm>. Retrieved February 15, 2012.
- [119] “Nicolae Andruta Ceausescu”. Moreorless.au.com. <http://www.moreorless.au.com/killers/ceausescu.html>. Retrieved July 28, 2011.
- [120] <http://news.google.com/newspapers?id=evtXAAAIBAJ&sjid=wyYDAAAIBAJ&pg=6840,1286312&dq=india+afghanistan&hl=en>
- [121] “Death Tolls for the Major Wars”. Users.erols.com. <http://users.erols.com/mwhite28/warstat2.htm#Afghanistan>. Retrieved July 28, 2011.
- [122] Kaplan, Soldiers of God (2001) (p.11)
- [123] Sandy Gall. *Afghanistan: agony of a nation*. Bodley Head. 1988 p.3
- [124] Hilali, A. (2005). *US-Pakistan relationship: Soviet invasion of Afghanistan*. Burlington, VT: Ashgate Publishing Co. (p.198)
- [125] Kaplan, Soldiers of God (2001) (p.11)
- [126] Kaplan, Soldiers of God (2001) p.188
- [127] Pear, Robert (August 14, 1988). “Mines Put Afghans in Peril on Return”. *New York Times*: p. 9. <http://www.nytimes.com/1988/08/14/world/mines-put-afghans-in-peril-on-return.html>.
- [128] “Reversing the gun sights: transnational civil society targets land mines”. International Organization. June 22, 1998. <http://www.accessmylibrary.com/article-1G1-21061568/reversing-gun-sights-transnational.html>.
- [129] “Gorbachev, The Iraqi War & Afghan Atrocities”. Realnews247.com. http://www.realnews247.com/spec_rep_3_gorby_2003_.htm. Retrieved July 28, 2011.
- [130] Zulfiqar Ahmed Bhutta, H. (2002). *Children of war: the real casualties of the Afghan conflict*. Retrieved December 11, 2007
- [131] Hauner, M. (1989). *Afghanistan and the Soviet Union: Collision and transformation*. Boulder, Colorado: Westview Press. (p.40)
- [132] Barakat, S. (2004). *Reconstructing war-torn societies: Afghanistan*. New York: Palgrave Macmillan (p.5)
- [133] Barakat, S. (2004). *Reconstructing war-torn societies: Afghanistan*. New York: Palgrave Macmillan (p.7)
- [134] Panetta L. (2007) *Collateral damage and the uncertainty of Afghanistan...*[2] San Francisco: OpticalRealities. Retrieved August 17, 2009
- [135] Kirby, A. (2003). *War 'has ruined Afghan environment'* Retrieved November 27, 2007, from [3], Zulfiqar Ahmed Bhutta, H. (2002). *Children of war: the real casualties of the Afghan conflict*. Retrieved December 11, 2007, from [4]

۳۰ منابع

- ویکی‌پدیای انگلیسی http://en.wikipedia.org/wiki/Soviet_war_in_Afghanistan
- افغانستان، لورل کورنا: انتشارات ققنوس.
- طالبان، جنگ، مذهب و نظام جدید در افغانستان؛ پیتر مارسدن: نشر مرکز ۱۳۷۹.
- افغانستان، علیرضا علی‌آبادی: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ارتش سرخ در افغانستان، ژنرال بوریس گرومف: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۷۵.
- برداشتهای شوروی از آیین و قدرت نظامی، جان جی. ژیاک: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ۱۳۶۷.
- در افغانستان چه می‌گذرد؟، جروان دایک: انتشارات الهام، ۱۳۶۶.
- افغانستان، عصر مجاهدین و برآمدن طالبان، دکتر چنگیز پهلوان: نشر مه‌د مینا، ۱۳۷۸.
- افغانستان در قرن بیستم، ظاهر ظنین: انتشارات عرفان، ۱۳۸۴.

- افغانستان، دیپلماسی دو چهره، ناصر مستوری کاشانی: انتشارات ایرانشهر، ۱۳۷۱.
- افغانستان در زیر سلطه شوروی، آنتونی هی من: انتشارات شباویز، ۱۳۶۴.
- ظهور و سقوط بنیادگرایی (افغانستان)، محمد قراگوزلو: انتشارات قصیده سرا.
- ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ارتشبد سابق حسین فردوست: انتشارات اطلاعات.
- وبسایت استاد سعادتملوک تابش هروی

۳۱ منابع متن و تصویر، مشارکت‌کنندگان و مجوزها

۱.۳۱ متن

- جنگ شوروی در افغانستان منبع: http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%AC%D9%86%DA%AF_%D8%B4%D9%88%D8%B1%D9%88%DB%8C_%D8%AF%D8%B1_%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86?oldid=15401691
- مشارکت‌کنندگان: مانی، دانیل، Robbot، Arash redcat، YurikBot، Robosam، Mmehdi، اشکان، ح، ریوسام، Meisam، Elessar، Escarbot، Thijs!bot، JAnDbot، Farzaaad2000، M samadi، Hariva، TXiKiBoT، VolkovBot، YonaBot، OKBot، AlnoktaBOT، BotMultichill، AlleborgoBot، FiriBot، Amirobot، Smej، Luckas-bot، LaaknorBot، Xqbot، همان، SieBot، Synthebot، Tanhabot، MelancholieBot، CarsracBot، ZxxZxxZ، EmausBot، HRoestBot، JackieBot، Alborzagros، World Cup 2010، WikitanvirBot، Jackturbo، Dinamik-bot، Bardia90، Aj1985group، IranK3، JYBot، Dexbot، Shahboy، YasBot، Nikaein'sBot، قاصدک بهار، Rezabot، MerllwBot، Kowsari، GreysHark09، Musa mohammadi، Fatemibot، Samim.karimyar، Khalid Nezami و ناشناس: 13

۲.۳۱ تصاویر

- پرونده: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/f2/Coat_of_Arms_of_the_Russian_Federation.svg منبع: <http://document.kremlin.ru/doc.asp?ID=5171&PSC=1&PT=3&Page=8> The big image of coat of arms: [1] data-x-rel="nofollow"> data-file-width="91" data-file-height="31" /> href="http://validator.w3.org/check?uri=http%3A%2F%2Fcommons.wikimedia.org%2Fwiki%2FSpecial%3AFilepath%2Fcoat_of_Arms_of_the_Russian_Federation.svg">&#ss=1#source
- پرونده: [Commons-logo.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/4/4a/Commons-logo.svg) منبع: <http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/4/4a/Commons-logo.svg> مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: This version created by Pumbaa, using a proper partial circle and SVG geometry features. (Former versions used to be slightly warped.) SVG version was created by User:Grunt and cleaned up by 3247, based on the earlier PNG version, created by Reidab
- پرونده: [Edit-clear.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/f2/Edit-clear.svg) منبع: <http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/f2/Edit-clear.svg> مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: The people from the Tango! project: Tango! Desktop Project
- پرونده: [Evstafiev-Soviet-soldier-Afghanistan.jpg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/a/a2/Evstafiev-Soviet-soldier-Afghanistan.jpg) منبع: <http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/a/a2/Evstafiev-Soviet-soldier-Afghanistan.jpg> مجوز: CC-BY-SA-3.0 مشارکت‌کنندگان: Photo: Mikhail Evstafiev، هنرمند اصلی: Mikhail Evstafiev
- پرونده: [Flag_of_Afghanistan.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/9/9a/Flag_of_Afghanistan.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/9/9a/Flag_of_Afghanistan.svg مجوز: CC0 مشارکت‌کنندگان: <http://openclipart.org/detail/24112/flag-of-afghanistan-by-anonymous-24112>، هنرمند اصلی: User:Zscout370
- پرونده: [Flag_of_Iran.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/ca/Flag_of_Iran.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/c/ca/Flag_of_Iran.svg مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: <http://www.isiri.org/portal/files/std/1.htm> and an English translation / interpretation at URL <http://flagspot.net/flags/ir.html>، هنرمند اصلی: Various
- پرونده: [Flag_of_Jihad.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/3/30/Flag_of_Jihad.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/3/30/Flag_of_Jihad.svg مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: نامعلوم، هنرمند اصلی: نامعلوم
- پرونده: [Flag_of_Pakistan.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/3/32/Flag_of_Pakistan.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/3/32/Flag_of_Pakistan.svg مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: The drawing and the colors were based from flagspot.net، هنرمند اصلی: User:Zscout370
- پرونده: [Flag_of_Russia.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/f3/Flag_of_Russia.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/f3/Flag_of_Russia.svg مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: [1][2][3][4] (Blue - Pantone 286 C, Red - Pantone 485 C) ، هنرمند اصلی: Zscout370
- پرونده: [Flag_of_Saudi_Arabia.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/0/0d/Flag_of_Saudi_Arabia.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/0/0d/Flag_of_Saudi_Arabia.svg مجوز: CC0 مشارکت‌کنندگان: the actual flag، هنرمند اصلی: نامعلوم
- پرونده: [Flag_of_the_People's_Republic_of_China.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/fa/Flag_of_the_People's_Republic_of_China.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/fa/Flag_of_the_People's_Republic_of_China.svg مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: اثر شخصی، http://www.protocol.gov.hk/flags/eng/n_flag/design.html، هنرمند اصلی: Drawn by User:SKopp, redrawn by User:Denelson83 and User:Zscout370
- پرونده: [Flag_of_the_Soviet_Union.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/a/a9/Flag_of_the_Soviet_Union.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/a/a9/Flag_of_the_Soviet_Union.svg مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: <http://pravo.levonevsky.org/>، هنرمند اصلی: نامعلوم
- پرونده: [Flag_of_the_United_Kingdom.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/a/ae/Flag_of_the_United_Kingdom.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/a/ae/Flag_of_the_United_Kingdom.svg مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: اثر شخصی، <http://flagspot.net/flags/gb.html> per data، هنرمند اصلی: Original flag by Acts of Union 1800
- پرونده: [Flag_of_the_United_States.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/a/a4/Flag_of_the_United_States.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/a/a4/Flag_of_the_United_States.svg مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: "Law" (the United States Federal "Flag" Title 4, Chapter 1, Section 1 [1] Dbenbenn, Zscout370, Jacobolus, Indolences, Technion)، هنرمند اصلی: SVG implementation of U. S. Code
- پرونده: [Folder_Hexagonal_Icon.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/4/48/Folder_Hexagonal_Icon.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/4/48/Folder_Hexagonal_Icon.svg مجوز: CC-BY-SA-3.0 مشارکت‌کنندگان: اثر شخصی بر پایه: Folder.gif، هنرمند اصلی: John Cross، برادری سازی: Shazz
- پرونده: [People_icon.svg](http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/3/37/People_icon.svg) منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/3/37/People_icon.svg مجوز: CC0 مشارکت‌کنندگان: OpenClipart، هنرمند اصلی: OpenClipart

- پرونده: **Portal-puzzle.svg** منبع: <http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/f/fd/Portal-puzzle.svg> مجوز: Public domain مشارکت‌کنندگان: User:Eubulides. Created with Inkscape 0.47pre4 r22446 (Oct 14 2009). This image was created from scratch and is not a derivative of any other work in the copyright sense, as it shares only nonprotectible ideas with other works. Its idea came from *File:Portal icon.svg* by User:Michiel1972, which in turn was inspired by *File:Portal.svg* by User:Peptps and User:Ed g2s, which in turn was inspired by *File:Portal.gif* by User:Ausir, User:Kyle the hacker and User:HereToHelp, which was reportedly from *he:File:Portal.gif* (since superseded or replaced?) by User:Naama m. It is not known where User:Naama m. got the idea from User:Eubulides:هنرمند اصلی.
- پرونده: **Symbol_book_class2.svg** منبع: http://upload.wikimedia.org/wikipedia/commons/8/89/Symbol_book_class2.svg مجوز: CC BY-SA مشارکت‌کنندگان: 2.5 Mad by Lokal_Profil by combining: هنرمند اصلی: Lokal_Profil

۳.۳۱ محتوای مجوز

- Creative Commons Attribution-Share Alike 3.0